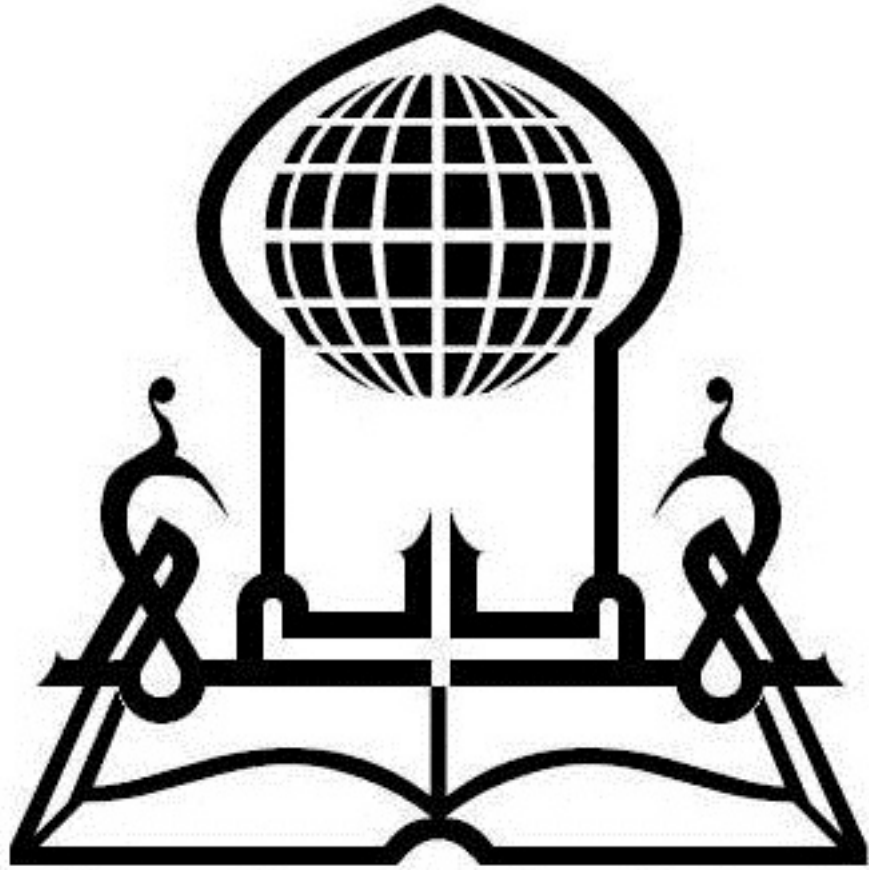


# تاریخ و فرهنگ زرقان

پژوهش و نگارش:  
محمد حسین صادقی



**انتشارات هُدُود**

---

هوالمیل

گزیده

تاریخ و فرهنگ زرقان فارس

پژوهش و نگارش: محمد حسین صادقی

انتشارات هدهد

بهار ۱۳۹۴

سرشناسه : صادقی، محمدحسین، ۱۳۳۹-  
عنوان و نام پدیدآور : گزیده تاریخ و فرهنگ زرقان فارس / پژوهش و  
نگارش و شعر: محمدحسین صادقی.  
مشخصات نشر : قم: هدهد، -۱۳۹۴  
مشخصات ظاهری : ج. ۲؛ ۵/۲۱× ۵/۱۴ س.م.  
شابک : 9789642508228  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
موضوع: زرقان فارس، رکان باستانی، سفرنامه‌ها، تخت جمشید، شیراز  
رده بندی کنگره : DSR ۲۰۹۱ / ۷ص ۲ ۱۳۸۹  
رده بندی دیویی : ۶۳۲۵/۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۳۶۱۰۲



نام کتاب : گزیده تاریخ و فرهنگ زرقان فارس  
پژوهشگر، نویسنده و شاعر : محمد حسین صادقی  
شمارگان : یکهزار نسخه  
ناشر: انتشارات هُدهُد - قم ۰۹۱۷۶۱۱۲۲۵۳  
چاپ : چاپخانه ولی عصر- قم  
قیمت : ۱۰۰۰ تومان  
نوبت چاپ : اول / بهار ۱۳۹۴

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۸-۲۲-۸ ISBN : 978-964-2508-22-8

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است. ©

[www.hodhod.blog.com](http://www.hodhod.blog.com)

[hodhodzar@gmail.com](mailto:hodhodzar@gmail.com)

**مقدمه مؤلف و ناشر :**

شهر باصفا و زیبای زرقان سالهاست هر روزه میزبان صدها نفر مسافر و گردشگر است که حداقل برای خریدن حلوی ارده به شهر ما می‌آیند. علاوه بر این، تعداد مسافرینی که در روزهای تعطیل برای دیدار پل تاریخی بندامیر و زیارت شاهزاده قاسم و سید نسیمی و تفریح و تفریح در فضای سبز زرقان و استفاده از امکانات پارکهای آزادگان، غدیر، مهر، پارک جنگلی پالایشگاه و پارک ملی بمو و طبیعت و باغات و کوهپایه‌های زرقان و همچنین برای استفاده از فضای تالارها و سالن‌های پذیرائی و برگزاری مجالس به شهر ما می‌آیند، بر اساس آمارگیری از تعداد خودروهای شخصی و عمومی، به چند هزار نفر می‌رسد و هدف از انتشار این کتابچه که گزیده تاریخ و فرهنگ زرقان است صرفاً تهیه یک کتاب راهنمای کوچک برای معرفی زرقان باستانی به این مهمانان و مسافرین و گردشگران عزیز و پژوهشگران و علاقمندان بوده که از بین صدها صفحه شعر و مطلب و تحقیق درباره زرقان (به قلم نگارنده) انتخاب شده است. لذا از تمام آن عزیزان و خوانندگان گرامی استدعا دارم که نظرات و پیشنهادات و انتقادات خود را برای ارائه خدمات بهتر و بیشتر شهرداری و تصحیح و تکمیل این نوشته برای ما (از طریق تلفن و ایمیل مندرج در شناسنامه کتاب) ارسال نمایند.

در رابطه با مطالب این کتابچه ذکر این نکته ضروری است که بحث‌ها و نوشته‌های ما درباره زرقان، ریشه در دو حدیث گرانسنگ از حضرت ختمی مرتبت(ص) دارد، اول : حدیث حُب‌الوطن من الایمان، و دوم : حدیث مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ. تمام تلاشی که در این نوشته‌ها صورت می‌گیرد با الهام از این دو حدیث است. اگرچه حدیث شریف اول به تنهایی تمام دینداران وطن دوست را کفایت می‌کند ولی حدیث دوم، جهتی به این رودخانه عشق می‌دهد که به اقیانوس معرفت و عرفان منتهی می‌گردد. طبق حدیث دوم کسی که خودش را بشناسد، به سرچشمه‌های معرفت و شناخت خدایش رسیده است و این شناخت، تنها منحصر به شخص نمی‌شود، بلکه محیط و شهر و کشور و تاریخ و تمدن او نیز شامل این شناخت می‌شود. هر انسانی بخواهد خود را بشناسد باید طبیعت و محیط اطرافش را نیز بشناسد. هر کدام از ما در ظرف زمان و مکان خود معنی پیدا می‌کنیم و شناخت این زمان و مکان شخص را به معرفتی والا می‌رساند. لذا تمام بحث‌های زرقان‌شناسی ما که ریشه در زرقان دوستی دارد به طریقی سیر و سلوک معنوی ما نیز به حساب می‌آید و اگر ما را از نردبان معرفت بالا نبرد دچار خسران گردیده‌ایم. تلفیق همین دو اصل بود که «دینداران وطن دوست» را در هشت سال دفاع مقدس به حماسه آفرینی‌هایی واداشت که جبهه جهانی تجاوز و مغولان عصر جدید را در برابر این سرداران گمنام و عاشق به زانو در آورد و بخش زرقان افتخار دارد که بیش از دویست برگ زرین حماسه و ایثار را در گلزارهای خود به اسلام و ایران اهداء کرده است و تلاش‌های زرقان‌شناسی ما در تداوم راه آنهاست هر چند که یک از هزار مجاهدت‌های آنها را نمی‌توانیم به خود منتسب کنیم.

والسلام - محمد حسین صادقی - مدیر انتشارات ههد - بهار ۱۳۹۴

**معرفی اجمالی زرقان**

زرقان با فاصله‌ای قریب به ۲۵ کیلومتر، یکی از بخشهای چهارگانه شهرستان شیراز و نزدیکترین شهر به مرکز استان فارس است و در شمال شرقی شیراز قرار گرفته است. ارتفاع زرقان از سطح دریا ۱۵۹۵ متر، و ارتفاع بلندترین نقطه کوه شمالی نسبت به مرکز شهر تقریباً ۶۰۰ متر می‌باشد. زرقان از لحاظ تقسیمات اداری کشور، بخش محسوب می‌شود و زیر نظر فرمانداری شیراز قرار دارد. وسعت بخش ۸۰۸ کیلومتر مربع است که شامل دو شهر زرقان و لپویی و دو دهستان بند امیر و رحمت آباد با تعداد ۴۰ روستا و ۱۰ آبادی می‌شود. تعداد زیادی از روستاهای این دو دهستان در دو طرف رودخانه کر Korr قرار گرفته‌اند و به کربال (بالهای رودخانه کر) مشهورند. (طبق نظر بعضی از محققین، کلمه کر در زبان فارسی

میانه (پهلوی) مخفف کلمه کورش است). اسامی روستاهای بخش زرقان به ترتیب الفبا عبارت است از: آبادخوره، آق جلو، اتابک، اسماعیل آباد، اکراد، بندامیر، چاه سرخ، حسین آباد، خیرآباد، درمنه زار ۱، درمنه زار ۲، دژآباد، ده میدان، دودج (که جزو شهر شده)، دولت آباد، رحمت آباد، سبزآباد، شهرخواست، شهریار (که جزو شهر شده)، شول، صدرآباد، فتوح آباد، فشنگان، فیروزی، فیض آباد، قلعه گچی، قیدرقلو علیا و سفلی، کلاه سیاه، کورکی، کوهک ۱، کوهک ۲، لاهیجی، محمودآباد، مقرب ۱، مقرب ۲، ملک آباد، مهران آباد، چند روستای زرقان نیز در نیم قرن گذشته خالی از سکنه شده‌اند. علاوه بر این، روستاهای منطقه خشکه میان زرقان یعنی گلدشت علیا و سفلی، مجدآباد، مراگلو، اوزون دره، گودرز شک نیز در سی سال گذشته به دلالتی از بخش زرقان جدا شده و به شهرستان مرودشت ملحق گردیده‌اند.

بخش زرقان در حال حاضر قریب ۶۰ هزار نفر جمعیت ساکن را در خود جای داده است. جمعیت غیر ساکن زرقان بدلیل اشتغالزائی منطقه قریب به بیست هزار نفر در بخشهای صنعتی، آموزشی، خدماتی برآورد می‌شود. علاوه بر این، زرقان با توجه به قرار گرفتن در مسیر کوچ عشایر همیشه یکی از مراکز مورد توجه عشایر بوده است. با این حساب، جمعیت ساکن و روان این شهر به حدود هشتاد هزار نفر می‌رسد.

روستاهای رحمت آباد و بندامیر و شهر لپوئی از مهمترین آبادیهای این ناحیه به شمار می‌روند، مخصوصاً پل بندامیر که در زمان دیلمیان (حدود ۱۱۰۰ سال پیش ساخته شده) یکی از جاذبه‌های گردشگری استان فارس محسوب می‌شود. شکست دو مهاجم و متجاوز خارجی در دو جنگ بزرگ و تاریخی که در زرقان اتفاق افتاده و به پیروزی ایرانیان منجر شده زرقان را در نگاه مورخین، ممتاز و خوش یمن کرده است: یکی شکست کامل اشرف افغان توسط نادر شاه افشار (حدود ۳۰۰ سال پیش) و دیگری شکست نهائی احمد ابن عبدالعزیز توسط عمرو لیث صفاری (حدود ۱۲۰۰ سال قبل). علاوه بر این، سپاه داریوش هخامنشی، سپاه یکی از دشمنانش را در این شهر شکست می‌دهد که خاطره آن بر کتیبه بیستون نقش بسته است. (توضیح سه مورد فوق در صفحات ۱۰، ۱۳ و ۲۰ همین کتاب)

زرقان بعلت موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن بین دو شهر شیراز و تخت جمشید از دیرباز یکی از اطراق گاههای مسافری و کاروانها محسوب می‌شده و نقش عظیمی در تجارت و اقتصاد و کشاورزی داشته است، شاید اطلاق صفت (هند کوچک) به زرقان بخاطر همین رونق و عظمت گذشته بوده است.

علاوه بر وجود چندین مرکز درمانی و جراحی و شکسته بندی در زرقان قدیم، وجود بیش از ۵۰ روحانی که اکثراً در محله (آخوندها) سکونت داشتند و بعضی‌ها مجتهد و یا حافظ و کاتب قرآن کریم بوده‌اند نیز گواه دیگری بر اهمیت زرقان در روزگاران گذشته بوده است.

وجود کارخانه‌ها و کارگاههای مختلف بافندگی، صابون‌پزی، عصاره‌سازی، باروت‌سازی، اسلحه‌سازی، قنادی، نمدمالی، دباغی، سراجی و... نشان دیگری از رونق بازار و معامله در گذشته بشمار می‌رود.

علت نامگذاری محل حیدر نیز شایان توجه است: چنانکه در تواریخ مربوط به دوران حکومت «زندیه» در ایران و حکومت قاجاریه بر می‌آید، زرقان یکی از مقرهای حکومتی سلسله زند بوده و یکی از سرداران بزرگ سپاه لطفعلیخان زند بنام «حیدر زرقانی» از اهالی این شهر بوده است. حیدر که از یاران و جوانمردان و فرماندهان سپاه زند بوده حتی تا ارگ بزم به یاری لطفعلیخان می‌شتابد و از «دلاور زند» در برابر آغامحمد خان قاجار دفاع می‌کند و صحنه‌های با شکوهی در تاریخ ایران برای خود و زرقان رقم می‌زند. وجود مسجد و حمام و حسینیه حیدر در محل حیدر از آثار این جنگاور بزرگ و جان بر کف زرقانی است.

جوانان پرشور و ورزیده زرقان، در رشته‌های کشتی، وزنه‌برداری، کوهنوردی، هنرهای رزمی و پاورلیفتینگ دارای مقامهای بالائی در سطح کشور هستند و دهها مدال طلای جهانی را برای ایران اسلامی به ارمغان آورده‌اند.

قبل از انقلاب اسلامی، همراه با تغییر اسم بسیاری از شهرهای ایران، اسم زرقان نیز به زرگان تبدیل شد و بعد از انقلاب اگرچه دوباره نام زرقان را بازیافت ولی هنوز در بسیاری از نقشه‌ها و کتب جغرافیایی، نام زرگان باقی مانده است، بعضی‌ها ریشه اصلی این نام را «زرگون» - یعنی مانند زر - می‌دانند و سابقه آن را به هخامنشیان پیوند می‌زنند. لازم به ذکر است که در فرهنگ مرحوم (دهخدا) به نام چهار زرقان اشاره شده: زرقان فارس، زرقان همدان، زرقان رودقات و زرقان سبزواری؛ ضمناً زرقان ما به شش صورت در کتب و کتیبه‌ها آمده است: رکان، زرگون، زرغون، زرکان، زرگان و نام فعلی آن: زرقان. ضمناً کلمه زرغون (همانگونه که در گویش فعلی مردم این شهر تلفظ می‌شود) در زبان فارسی باستان به معنای مکان سرسبز و خرم می‌باشد که با ظاهر زرقان مطابقت داشته و دارد.

زرقان یکی از شهرهایی بود که با شروع نهضت اسلامی به رهبری امام راحل، به صف انقلابیون پیوست و به یکی از مراکز مهم ضد حکومتی تبدیل شد و اولین شهید خود را بنام شهید علی اکبر صادقیان در قیام پانزده خرداد سال ۴۲ تقدیم اسلام و انقلاب کرد. پیش از انقلاب شکوهمند اسلامی، در سال ۱۳۵۷ نیز دو شهید دیگر بنامهای شهید ناصر رضا زاده و شهید اسماعیل مؤذنی تقدیم نمود و سرفصل خونی را در تاریخ پر افتخار این شهر گشود، زرقان در دوران دفاع مقدس سابقه خونین و پر افتخاری از خود به جای گذاشت و با تقدیم ۲۰۵ شهید، که اکثراً از خط شکنان و جنگاوران دلیر جبهه‌های غرب و جنوب بودند، نام خود را یکبار دیگر در تاریخ حماسی ایران جاودانی کرد. لازم به ذکر است که این تعداد شهید به نسبت جمعیت این شهر، حدود دو برابر سرانه ملی کشور به حساب می‌آید.

ضرب‌المثلها و اصطلاحات عامیانه منحصر به فرد و گویش و لهجه خاص محلی که هنوز در بین کهنسالان جریان دارد نیز میراث بجا مانده دیگری از قرون گذشته در این شهر است و با توجه به اینکه تولد و مانائی یک فرهنگ و سنت نمی‌تواند زائیده یک عصر خاص باشد، بایستی ریشه اینها را در اعصار گذشته و اصالت تاریخی زرقانی‌ها جستجو کرد. دو قبرستان به نامهای «سیدنسیمی» (در قسمت ورودی شهر) و «برده بسته» (در قسمت آخر شهر) وجود دارد که سنگها و کتیبه‌ها و نقوش و نگارهای آنها مربوط به دوره‌های مختلف است. علت نامگذاری سیدنسیمی به خاطر دفن عارف بزرگ قرن هشتم و نهم سیدعمادالدین نسیمی در این قبرستان است که اکنون زیارتگاه مردم دور و نزدیک است.

زرقان از قدیم مهد علم و هنر بوده است و اکنون با توجه به جمعیت کم، بیشترین تعداد تحصیلکرده و دکتر و مهندس و معلم و دانشجو و شاعر و نویسنده و هنرمند در رشته‌های مختلف در داخل و خارج از کشور دارد و اکثراً دارای مقامهای عالی در مدیریت و تحصیل و تعلیم و تربیت و علم و صنعت و ادب و هنر هستند.

زرقان از نظر شهرسازی و معماری دارای یکی از بهترین زیرساخت‌ها در کشور است، علاوه بر این، زرقان با داشتن بیش از ۶۴ هکتار فضای سبز (که توسط شهرداری حفظ و نگهداری می‌شود) با سرانه‌ی فضای سبز ۱۸/۶ درصد برای هر نفر بالاتر از استاندارد جهانی قرار دارد و یکی از سرسبزترین شهرهای میهن اسلامی به حساب می‌آید.

زرقان ۷۰ سال قبل در فرهنگ دهخدا اینگونه توصیف شده است: «زرقان یکی از بخش‌های ۴ گانه شهرستان شیراز است که در شمال شرقی این شهرستان قرار دارد. شمال آن به شهرستان آباده و جنوب آن به بخش سروستان و باختر آن به بخش اردکان و خاور آن به بخش نی ریز محدود است. این بخش از هشت دهستان به نامهای حومه مرودشت - کربال - خفرک - کمین و توابع ارسنجان و... تشکیل و مرکز آن زرقان که در مجموع ۲۳۳ قراء است و جمعاً ۷۹۰۰۰ نفر سکنه دارد. شوسه شیراز به اصفهان از وسط آن می‌گذرد».

زرقان یکی از قدیمی ترین بخش های استان فارس محسوب می‌گردد که از سال ۱۳۱۲ رسماً در تقسیمات کشوری دارای بخشداری بوده و از سال ۱۳۱۸ دارای شهرداری است. با توضیح فوق مشخص است که تاکنون پنج شهرستان (مرودشت، ارسنجان، پاسارگاد، خرم‌بید و خرامه) از زرقان جدا گردیده که این خود یکی از دلایل قابلیت‌های نهفته در این بخش می‌باشد. شهرداری زرقان نیز حدود هفتاد و پنج سال قدمت دارد و درجه ۷ است. در ضمن، روز بیستم اردیبهشت هر

سال (بخاطر ابلاغ حکم شهرداری در بیستم اردیبهشت سال ۱۳۱۸) به نام روز زرقان نامگذاری شده و هر ساله در این روز برنامه‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی به اجرا در می‌آید.

در حال حاضر تنها پالایشگاه استان فارس و قریب به ۲۴٪ صنایع استان در قالب ۴۰۰ کارخانه بزرگ و کوچک و کارگاه‌های متعدد تولیدی با چندین هزار نفر نیروی متخصص و با تجربه در حریم شهر زرقان مستقر است که این منطقه را به بزرگترین مرکز استقرار صنایع در استان تبدیل نموده و نقش عظیمی در استقلال و خودکفائی صنعتی ایران اسلامی دارد. زرقان از لحاظ دامداری و کشاورزی نیز نقشی اساسی دارد و یکی از مناطق تأمین کننده گندم و شیر و گوشت و محصولات لبنی استان فارس محسوب می‌شود. استقرار ۵۳ واحد مرغداری با تولید ۲۰۰۰ تن گوشت سفید در سال، استقرار ۴۰۶ واحد دامپروری و گاو شیری با تولید روزانه ۹۰ تن شیر و ۱۰۰ تن گوشت قرمز بر اهمیت اقتصادی این شهر افزوده است.

وجود ۴۱۰۰۰ هکتار اراضی حاصلخیز و کم نظیر کشاورزی در بخش زرقان که قسمت اعظم آن در حوزه رودخانه کر قرار گرفته است و نقش بسزایی در تأمین مایحتاج زراعی استان در تولیدات گندم، برنج، کزرا، چغندر، سبزیجات و سیفی‌جات و... دارد که عملاً در جایگاه اول تا سوم استان قرار می‌گیرد. دشت آهوچر و موقعیت منحصر بفرد آن به وسعت ۳۵۰۰ هکتار تولید کننده عمده گندم بذری در سطح استان و کشور است که در عمل این دشت بعنوان الگوی کشاورزی در سطح استان مطرح می‌باشد. وجود ۲۰۷۰ هکتار باغ انگور دیم با چند میلیون اصله درخت انگور و ... تعداد ۸ قنات فعال و غیر فعال که قدمت بعضی از آنها به بیش از هزار سال می‌رسد نیز از توانمندیهای زرقان می‌باشد. در حال حاضر قسمتهای زیادی از مساحت بخش زرقان موقوفه می‌باشد و با احداث مراکز متعدد آموزشی، فرهنگی و خدماتی و ... توسط نیکوکاران، زرقان را به یکی از بخش‌های خیر پرور استان تبدیل نموده است.

توانائی‌های دیگر زرقان در زمینه‌های مختلف:

دانشگاه آزاد اسلامی با ۶۰۰۰ دانشجو، دانشگاه پیام نور با ۲۰۰۰ دانشجو، مرکز تربیت معلم شهید مطهری آب باریک با ۱۴ هکتار وسعت و ۴۰ سال سابقه و حدود یکهزار دانشجو، حوزه علمیه و تربیت مبلغ، مرکز آموزش نیروی دریایی سپاه (احمد ابن موسی (ع))، فعالیت ۳ هنرستان شبانه روزی فنی، کشاورزی، ۳ دبیرستان شبانه روزی دختران و پسران، مرکز تحقیقات کشاورزی بعنوان بزرگترین مرکز در سطح استان، مرکز هواشناسی پیشرفته با سابقه طولانی، عبور اتوبان شمال - جنوب و نیز راه آهن اصفهان - شیراز از حریم شهر، استقرار سه ایستگاه برق ۶۶ کیلو وات، عبور قطار شهری شیراز - تخت جمشید در طرح آینده، تمرکز غنی ترین و سالمترین منابع آب در لایه‌های زیرزمینی که از سرچشمه‌های حوزه زاگرس جنوبی تأمین می‌شود، استقرار یکی از مهمترین ایستگاههای تأمین گاز، برخورداری از شبکه فیبرنوری - تلفن همراه - اینترنت - اینترنت پر سرعت، عبور خط لوله آبرسانی از سد درودزن به شیراز و خط دوم در طرح آینده از حریم شهر، استقرار بزرگترین انبار ذخیره سوخت فسیلی در سطح استان، فعالیت ۳ مجموعه بزرگ حمل و نقل درون و برون استانی سوخت و کالا.

قرار گرفتن در میانه جلوه‌گاه تاریخ تمدن ایران زمین و نماد توسعه آینده کشور (دروازه قرآن و دروازه ملل تخت جمشید)، پل و بند تاریخی بندامیر در ۱۷ کیلومتری شهر زرقان با قدمت ۱۱۰۰ ساله، بند تاریخی فیض آباد که در ۳۰ کیلومتری شهر زرقان واقع شده، شاهزاده قاسم (ع) و سید نسیمی در شهر و ۳ امامزاده دیگر در روستاها (سید عمادالدین نسیمی، از مبارزان نهضت حروفیه که حدود ۶۰۰ سال قبل در زمان حکومت تیموریان به شهادت رسیده است)، پارک ملی بمو یکی از ده پارک بین‌المللی با وسعت ۴۸ هزار هکتار، پارک جنگلی پالایشگاه با وسعت ۲۵۰ هکتار (بزرگترین پارک مصنوعی در سطح استان)، استقرار بزرگترین باغ وحش استان با تنوع حیوانات، پرندگان و ... در حریم شهر زرقان، مرکز تولید جوجه یکروزه، مرکز تلقیح مصنوعی دام، مرکز تولید بذر اصلاح شده در سطح استان، فرودگاه زرقان و مرکز آموزش‌های هوانوردی، مرکز





استاد دکتر عبدالمجید ارفعی (۹ شهریور ۱۳۱۸ - بندرعباس - کنار کوه گنو)، دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی ادبیات و زبان فارسی از مدرسه‌ی دارالفنون و دارای درجه‌ی دکترا از مؤسسه‌ی شرقی دانشگاه شیکاگو در سال ۱۳۵۳ است. عنوان پایان‌نامه‌ی ایشان، «زمینه‌های جغرافیای فارس بر اساس گِل‌نوشته‌های تخت‌جمشید» بود. استاد با زبان‌های اوستایی و پهلوی آشنا و از کم‌شمار کارشناسان زبان ایلامی در سطح جهان هستند. راه‌اندازی تالار کتیبه‌های موزه‌ی ملی ایران، حاصل تلاش ایشان است. دکتر ارفعی از مهم‌ترین کتیبه‌خوانان ایرانی است که نخستین ترجمه‌ی فارسی فرمان کوروش بزرگ (منشور کورش) از روی مولاژی از اصل منشور، همراه با نسخه‌برداری جدید را انجام داده است. از وی همچنین کتاب «گِل‌نوشته‌های باروی تخت‌جمشید» (متن‌های Fort و Teh) توسط انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده که کتاب نمونه سال شناخته شد. کتاب دیگر ایشان که در بردارنده‌ی قانون‌های میان‌رودان (بین‌النهرین) است در حال آماده شدن برای چاپ است. کتاب دیگر ایشان با نام «رکان یا زرقان باستانی» در تابستان ۹۲ توسط انتشارات همداد و با حمایت مالی شهرداری و شورای اسلامی شهر زرقان (دوره سوم) منتشر گردید.

### داستان مختصر رمزگشایی از کتیبه‌ها و گِل‌نوشته‌های ایران باستان



زبان فارسی ایران باستان و خواندن و نوشتن خط میخی پس از انقراض هخامنشیان از رونق افتاد و کاملاً به فراموشی سپرده شد و کتیبه‌های باستانی که تمام رمز و راز دوران باستان را در خود داشتند بیش از دو هزار سال گرد غربت خوردند و هیچکس از محتوا و اسرار آنها سر در نیاورد.

اولین آشنائی غرب با فرهنگ و تمدن و کتیبه‌های ایران باستان از سال ۱۷۱۱ شروع شد که شاردن، جهانگرد فرانسوی از چند کتیبه ایرانی

نسخه برداری کرد و به اروپا برد و آنها را معرفی نمود. پس از او در سال ۱۷۶۲ کتیبه‌ای بر روی یک گلدان از جنس سنگ مرمر توسط کنت کایلوس به مجامع علمی اروپا معرفی شد، سپس در سال ۱۷۷۵ کارستن نیبور جهانگرد آلمانی در سفرش به فارس و تخت جمشید رونوشت‌های دقیق‌تری از کتیبه سه زبانه‌ی تخت جمشید برداشت و سه سال بعد آنها را در آلمان منتشر کرد. از آن زمان تا سال ۱۸۰۲ پژوهش‌های مفصلی روی آن نمونه‌ها انجام شد و نهایتاً بخاطر قرائن تاریخی دیگر و مطالعات بیشتر، فهمیدند که این کتیبه‌ها مربوط به دوران هخامنشی است و به سه زبان مختلف، از چپ به راست نوشته شده‌اند. پس از آنها، گروتفند آلمانی که یک معلم و کارمند کتابخانه بود در سال ۱۸۰۲ پس از تلاش‌های بسیار توانست معنی چند کلمه از کتیبه‌ها را بفهمد. تقریباً ۲۵ سال بعد از او یک زبانشناس دانمارکی در یک تلاش دهساله توانست تعداد کمی از حروف الفبای خط میخی ایران باستان را شناسائی و معرفی کند. همزمان با او دانشمندان دیگر نیز وارد این عرصه تحقیقاتی شدند و در سال ۱۸۴۷ توانستند تعدادی از کلمات و حروف دیگر را شناسائی کنند و با توجه به اندوخته‌ی دانشمندان قبل از خود و با قیاس و گمانه زنی تقریباً قسمتهائی از متون پارسی باستان را خواندند و ترجمه کردند. شناخت نسبی این زبان، باعث شد که به اسرار دو زبان دیگر، یعنی بابلی و عیلامی نیز پی ببرند. بر اساس همین مطالعات، وایس باخ آلمانی نخستین دستور زبان عیلامی را در سال ۱۸۹۰ ارائه کرد و پیشنهاد او در طول دوره‌های بعد متحول و کامل‌تر شد.

لازم به ذکر است که تا آن زمان هنوز گِل‌نوشته‌های تخت جمشید کشف نشده بودند و مطالعات فقط بر اساس کتیبه‌های سنگی و آجری و ظرف نوشته‌ها صورت می‌گرفت. کشف گِل‌نوشته‌های تخت جمشید در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ میلادی یعنی سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ خورشیدی انجام گرفت. در این حفاری‌ها که توسط مؤسسه‌ی شرقی دانشگاه شیکاگو به سرپرستی ارنست هرتسفلد باستان شناس آلمانی در یکی از اتاقهای دیوار شمال غربی تخت جمشید صورت

گرفت تعداد بسیاری گل نبشته کوچک به دست آمد و چند سال بعد با موافقت دولت ایران به امریکا منتقل شدند تا رمزگشائی شوند. البته داستان این دویست سال تحقیق بسیار مفصل است و آنچه در اینجا آمده به لحاظ جلوگیری از طولانی شدن مقاله، فقط فرازهای مهم این دوران را در بر می‌گیرد.

از آن روز تاکنون خواندن و ترجمه زبانهای پارسی باستان، بابلی و عیلامی رونق یافته و کشفیات بسیاری در مورد فرهنگ و تمدن ایران باستان منتشر شده است. با اینهمه، خواندن و ترجمه متون عیلامی کتیبه‌ها و الواح چنان سخت است که امروزه تنها بخش کوچکی از آنها قابل فهم می‌باشد و در جهان بیش از چند نفر نمی‌توانند از اسرار آنها سر دریاورند که یکی از آنها استاد گرانقدر دکتر عبدالمجید ارفعی است که شهرت جهانی دارد و تنها کسی است که در دنیا دکترای زبان عیلامی دارد. استاد ارفعی تمام تلاش و موفقیت‌هایش را مدیون استادش مرحوم ریچارد هلک Richard T. Hallock می‌داند و با احترام خاصی از او یاد می‌کند.

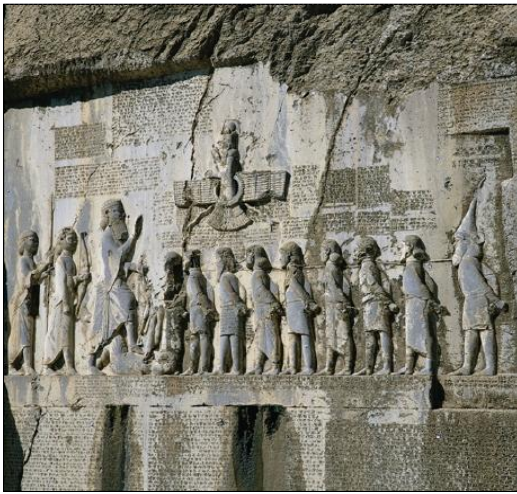
نظر استاد درباره گل نبشته‌های تخت جمشید: در تخت‌جمشید دو دسته گل نوشته پیدا شده‌اند. یک دسته در بین سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ بوده که در دو اتاق در باروی تخت‌جمشید، در شمال شرقی آن، بوده و دسته‌ی دیگر هم در سال ۱۳۱۶ در خزانه‌ی تخت‌جمشید. در سال ۱۳۱۴ گل نوشته‌های بارو - که حدود سی هزار تا بود - در پنجاه صندوق با مجوز دولت ایران برای این که دانسته شود به چه زبانی نوشته شده و محتوای آن‌ها چیست، برای رمزگشایی به امریکا رفت. خط آن‌ها میخی بوده است. البته ما خط‌های مختلفی داریم که به شکل میخی نوشته شده‌اند. برای ارسال، اول آن‌ها را در پارافین مایع فرو بردند و بعد در ۲۳۵۳ جعبه‌ی مقوایی و چند پیت نفتی قدیمی جای دادند. روی این جعبه‌ها از یک تا بیست شماره نوشته بودند که نشان از شمار گل نوشته‌ها در آن جعبه داشت...دسته‌ی دوم حدود ۷۶۰ گل نوشته‌ی سالم و ناقص بود که حدود ۱۲۰ و اندی از آن را مرحوم کمرون در یک کتاب و دو مقاله به چاپ رسانده است. و نوشته‌های بارو هم پس از رسیدن به امریکا، پارافین‌زدایی و در اواخر سال ۱۹۳۷ آماده‌ی خواندن شدند که آن‌ها را در اختیار یک استاد بزرگ به نام «آرنو پوبل» به همراه سه جوان دیگر که آن زمان تازه دکترای‌شان را گرفته بودند قرار دادند. نام این افراد «جورج کمرون»، «ریچارد هلک» و «بی.یر پورو» بود که برای رمزگشایی در نظر گرفته شده بودند. به تدریج که آن‌ها کار را شروع کردند، متوجه شدند که زبان گل نوشته‌ها ایلامی است و چون در تخت‌جمشید پیدا شده بودند احتمال دادند که به هخامنشیان تعلق داشته باشد. در آغاز، زمان آن‌ها را نمی‌دانستند و فکر می‌کردند از دوره‌ی خشایارشا است. تا این که بر اساس چند گل نوشته‌ی پیدا شده، پی بردند که سال بیست‌ودوم فرمان‌روایی پادشاه مربوط به آن‌ها، سال کیبسه بوده و با بررسی کتاب‌های تاریخی فهمیدند تنها فرمان‌روای هخامنشی که سال بیست‌ودوم حکمرانی‌اش سالی کیبسه بوده، داریوش بزرگ است. در اوایل جنگ جهانی دوم هم مرحوم کمرون در یکی از گل نوشته‌ها به نام داریوش برخورد می‌کند و به درستی مشخص می‌شود که کتیبه‌ها، اسناد دوره‌ی داریوش بزرگ است....

این آثار از نظر جغرافیایی بسیار غنی‌اند و به کمک نقش مهرها و نشان‌هایی که در آن‌هاست می‌توانیم نقشه‌ای از جغرافیای شمال فارس، از حدود نیریز تا نزدیکی‌های رود مارون، ارایه کنیم و شاه‌راه اصلی تخت‌جمشید به شوش تا رود مارون را هم کم و بیش می‌توانیم مشخص نمائیم. همین‌طور منزل‌گاه‌هایش و نیز کم و بیش فاصله‌های‌شان. در ضمن خیلی از جاها را که حتا امروز هم نام‌شان باقی مانده در میان این گل نوشته‌ها پیدا می‌کنیم. شما حتماً با کلمه‌های داریون و هزار بیضا، آشنایی دارید که تمام این‌ها بازمانده از زمان داریوش است. حتا خود شیراز و نیریز.

یکی دیگر از این شهرهای باستانی زرقان است که در این متن‌ها رگن آمده و در سنگ‌نوشته‌ی بیستون، در متن فارسی باستان آن «رگ»، و بعد «ز» به آن اضافه شده، در اوایل اسلام نیز در کتاب احسن التقاسیم مرحوم مقدسی بصورت رکان ثبت و ضبط شده است. این است که باید گفت اطلاعات بسیاری به ما می‌دهند. در واقع سیستم اداری و مالی داریوش را به ما نشان می‌دهند. تاکنون نزدیک چهار هزار و هفت صد و اندی از این گل نوشته‌ها خوانده شده است. از گل نوشته‌های باروی

تخت جمشید ۲۵۸۷ تا در یک کتاب و ۳۳ تا در یک مجله چاپ شده است. ۲۵۸۶ گل نوشته‌ی دیگر خوانده هم هست که حدود شش صد و اندی از آن‌ها را به فارسی و انگلیسی ترجمه کرده‌ام که برای چاپ آماده می‌شوند. به گفته استاد دکتر ارفعی نام رکان (زرقان) در ۲۲ متن که تاکنون خوانده و ترجمه شده‌اند ۴۹ بار تکرار شده است.

### نام زرقان در کتیبه بیستون:



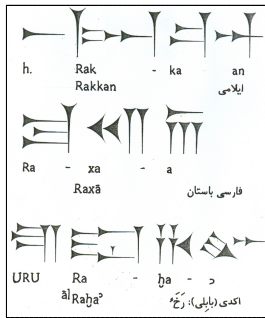
سنگ‌نیشته بیستون بزرگترین سنگ‌نیشته جهان و نخستین متن شناخته شده ایرانی و از آثار دودمان هخامنشیان (۵۲۰ پ.م) واقع در سی کیلومتری شهر کرمانشاه بر دامنه کوه بیستون است که شرح پیروزی داریوش بزرگ را بر گوماته مغ و به بند کشیدن یاغیان را نشان می‌دهد. محوطه بیستون از آثار ملی ایران است و خود این اثر هم از سال ۲۰۰۶ یکی از آثار ثبت شده ایران در میراث جهانی یونسکو است. نام بیستون از واژه پارسی باستان «بغستان» به معنی جایگاه بغ گرفته شده است. نخستین اشاره به این جایگاه در کتاب دیودوروس سیکولوس بود که در آن بخشی از نوشته‌های کنزیاس یونانی درباره بیستون آورده شده است. نکته‌های اصلی کتیبه بیستون از این قرار است: معرفی داریوش از

زبان خود او، دودمان هخامنشی، چگونگی اعاده پادشاهی به هخامنشیان، شیوه حکومت داریوش، مرگ کمبوجیه، طغیان گئوماتا و کشته شدن او در پاییز ۵۲۲ ق م، شورش و طغیان در بسیاری از سرزمین‌ها و سرکوبی آن‌ها و اعاده نواحی بسیاری که از فرمانبرداری سر باز زده بودند، پیروزی‌هایی که در نوزده نبرد نصیب داریوش شده است و از جمله پیروزی مهم و دشوار بر سکاها، چگونگی استقرار آرامش و امنیت در امپراتوری پهناور، رد ادعاهای یاغیان ضدحکومت، هشدار نسبت به دروغ‌گویی، دفاع از راستی و راستگویی، دعای نیک در حق کشور و مردم، سپاسگزاری داریوش از یاریهای اهورامزدا در غلبه بر معارضان و بازگشتن صلح، اندرز به شاهان آینده و کسانی که کتیبه بیستون را می‌خوانند، نام کسانی که در غلبه بر گئوماتا از داریوش پشتیبانی کردند و اشاره به انتشار متن کتیبه در سراسر قلمرو هخامنشی به خط میخی و سه زبان پارسی باستان، بابلی و عیلامی. این کتیبه‌ها کلید کشف رمز کلیه خطوط میخی گردید. به ویژه «سر هه رالینسون» در این موفقیت سهمی بسزا دارد.

### بندی از کتیبه بیستون که به نام زرقان اشاره می‌کند:

– داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاه پارسی و مادی را که تحت فرمان من بودند فرستادم. ارت وردی نام پارسی بنده من او را سردار آنان کردم. سپاه دیگر پارسی از عقب من رهسپار ماد شد. پس از آن ارت وردی با سپاه رهسپار پارس شد. چون به پارس رسید شهری رخا نام در پارس در آنجا آن وهیزدات که خود را بردی می‌خواند با سپاه به جنگ کردن علیه ارتوردی آمد. پس از آن جنگ کردند. اهورا مزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورا مزدا سپاه من آن سپاه وهیزدات را بسیار بزد. از ماه ثورواهر ۱۲ روز گذشته بود آنگاه جنگ ایشان در گرفت...

از نظر پروفیسور ارفعی شهر رخا یا رکان (در متن عیلامی) که در کتیبه بیستون آمده همین شهر زرقان فارس است.

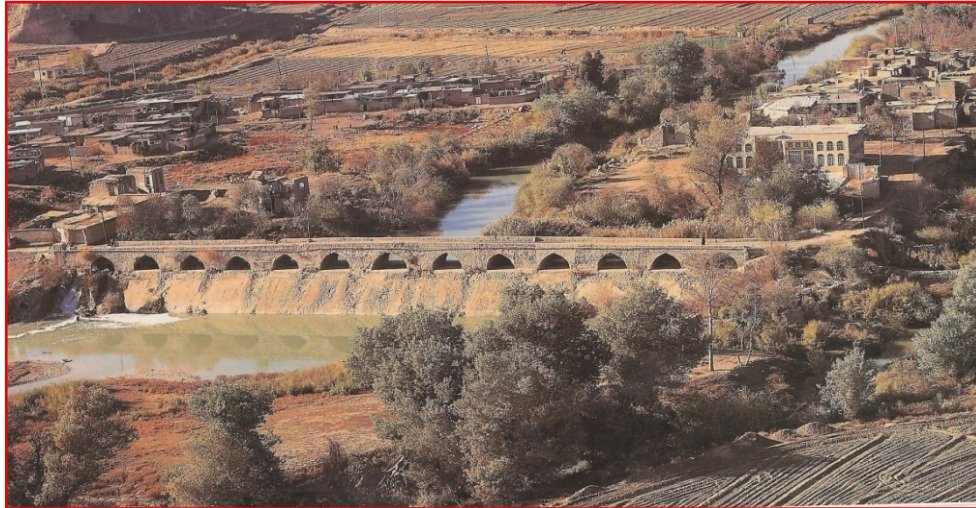


### نام رکان (زرقان) به سه زبان باستانی

در تابلو روبرو، کلمه رکان، نام باستانی زرقان را، به سه زبان ایلامی، فارسی باستان و اکدی (بابل) می‌بینیم. این کلمات با همین کتابت در گل‌نوشته‌های تخت جمشید و کتیبه‌ی بزرگ بیستون حکاکی شده‌اند. این تابلو به درخواست نگارنده توسط استاد پرفسور عبدالمجید ارفعی جهت درج در کتاب زرقان باستانی تهیه شده است.

\*\*\*

### بند امیر، شاهکار هنر و معماری



بند امیر، روستائی است تاریخی در شمال شیراز (در منطقه‌ی کُربال) که از لحاظ تقسیمات کشوری مرکز یکی از دهستانهای بخش زرقان به شمار می‌آید و با شهر زرقان تقریباً ۱۷ کیلومتر (راه آسفالت) فاصله دارد. در این روستا سد عظیمی از دوران آل بویه برجا مانده که یکی از شگفتی‌ها و عجائب هنر و صنعت و فرزنگی ایرانیان به حساب می‌آید. طبیعت زیبای بند امیر و مهربانی مردمش نیز بر جاذبه‌های آن افزوده و این مهد تمدن و معماری را شهره آفاق کرده و هر جهانگرد و مورخی از آن عبور نموده عظمت و شکوه آن را ستوده و درباره‌ی آن قلمفرسائی کرده‌است.

روستای بندامیر یکی از ۱۵ روستای هدف گردشگری فارس به شمار می‌رود. پل بند امیر ۱۳ دهانه دارد و قدمت آن به سال ۳۶۵ هجری قمری می‌رسد. این پل در سال ۱۳۴۹ به شماره ۹۰۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. این بنا از سنگ و ساروج ساخته شده است و از دو بخش بند و پل تشکیل شده که با ۲۰ متر پهنا، ۹ متر ارتفاع و حدود ۱۰۳ متر درازا از قطعات سنگ‌های تراشیده تشکیل شده است. معماری این بنا مانند معماری دوره ساسانی است. این سد و پل برای کنترل جریان تند آب رودخانه کر و نیز بالا آوردن سطح آب جهت استفاده روستاهایی است که در مسیر رودخانه قرار گرفته است. در اطراف پل و در محل نهرهای منشعب از رودخانه آسیاب‌های قدیمی وجود دارد که تعداد آنها به ۲۵ می‌رسد. یکی دیگر از جاذبه‌های تاریخی در این روستا گونه‌هایی از سازه‌های آبی است که قدمت آن‌ها به اوایل دوره اسلامی می‌رسد که به آن گاوشیر می‌گویند. برای رفتن به این روستای زیبای تاریخی می‌توان از طریق شهرهای مرودشت و زرقان اقدام کرد.

\*\*\*





## نسیمی چون وزید از جانب دوست

### نسیمی را برون آورد از پوست

#### سید عمادالدین نسیمی

مورخین درباره تاریخ و مکان تولد نسیمی و همچنین تاریخ و مکان شهادت این سید بزرگوار به اجماع نرسیده‌اند ولی بدون استثنا تمام تاریخ‌ها و تذکره‌ها محل دفن سید عمادالدین نسیمی را در دو شهر ذکر می‌کنند: یکی شهر حلب سوریه و دیگری زرقان فارس. البته علت عدم وحدت نظر در این باره هم این است که آن بزرگوار در طول دوران فعالیت خود بر علیه حکومت خونخوار تیموریان، زندگی مخفی داشته و حکومت‌های بعدی نیز برای از بین بردن نام و یاد و آثار او در طول تاریخ تلاش زیادی کرده‌اند. اما نکته‌ای که قطعی است این است که آن شهید بزرگ راه آزادی به فجیع‌ترین روش شهید شده و او را زنده زنده پوست کنده‌اند و بدنش را قطعه قطعه کرده‌اند و سوزانده‌اند. بعضی از تواریخ می‌نویسند که دست و پاهای قطع شده او را برای سه نفر از باران

و پیروانش (علی بن ذی الأذر، برادرش ناصرالدین یا نصیرالدین و عثمان قارایولوق) فرستادند تا باعث عبرت آنها گردد...

لازم به ذکر است که در هیچ کتاب تاریخی محل سکونت برادر او مشخص نشده است ولی با توجه به تاریخ شفاهی زرقانی‌ها که سینه به سینه نقل شده مقبره سیدناصرالدین یا سیدنصیرالدین (و برادرش سیدعمادالدین) در زرقان و در همین جای فعلی است. بدون شک سید ناصرالدین در زرقان برای برادر و رهبرش یادمانی در قبرستان فعلی (که قبل از او هم وجود داشته) بپا کرده و مرقد او از همان آغاز زیارتگاه مردم و آزادیخواهان و روشنفکران تاریخ بوده است. در شهر حلب سوریه نیز یادمانی برای او برپا شده و اینک محله‌ای بنام نسیمی در آن شهر وجود دارد. اگرچه در مورد زادگاه نسیمی نیز اختلاف نظر وجود دارد ولی کشور آذربایجان شوروی او را از خود می‌داند و در شهر باکو یادمان و تندیس به نام و یاد او احداث کرده است.

در طول تاریخ یونسکو کمتر اتفاق افتاده که سال خاصی را به یک شاعر اختصاص دهند. در چندین سال گذشته، از طرف یونسکو سالی به نام شاعر و عارف نامی ایران جلال‌الدین بلخی (مولانا) نامگذاری شد که افتخار بزرگی برای ایران به حساب می‌آید. همچنین، از طرف یونسکو سال ۱۹۷۳ میلادی به نام سال جهانی سید عمادالدین نسیمی نامگذاری شد و در آن سال مراسم و برنامه‌های خاصی برای این شاعر آزاده و بزرگ در سطح جهان برگزار کردند و آن سال را به پاس قدردانی از مجاهدت‌ها و تلاش‌های او برای آزادی و سعادت بشریت و تکریم و تعظیم مقام انسانها و استقامت و شهادت و در راه عقیده آسمانی‌اش، گرامی داشتند. تمبر یادبود بین‌المللی نسیمی نیز که در این صفحه درج شده مربوط به همان سال است.

این افتخار نه تنها برای ایران، بلکه شامل شهر ما هم می‌شود چون از بین هزاران شاعر مشهور در دنیای باستان و جهان معاصر فقط تعداد کمی در طول تاریخ یونسکو به چنین مقام و منزلتی دست یافته‌اند. شهر ما نیز بخاطر انتساب نام سید نسیمی، به این موضوع مباحثات می‌کند و جای آن دارد که مسئولین شهر زرقان (و حتی مسئولین استان و کشور) نسبت به این بقعه باستانی و پرخاطره که روزی مرکز فعالیت یاوران نسیمی بر علیه حکومت تیموریان بوده توجه بیشتری بکنند و قدر این انتساب تاریخی را بدانند. امید است در آینده‌ای نزدیک شاهد برگزاری کنگره بین‌المللی نسیمی شناسی با میزبانی شهر زرقان باشیم. لازم به ذکر است که مرحوم علامه امینی صاحب کتاب عظیم‌العدیر در کتاب بزرگ دیگرش با نام «شهداءالفضیله» (شهیدان راه فضیلت) سید عمادالدین نسیمی را جزو شهدای بزرگ اسلام ذکر می‌کند و با احترام و ارادتی خاص از او نام می‌برد و مدفن او را زرقان فارس می‌داند. یکی از اقدامات مهم و ماندگار شهرداری و شورای اسلامی شهر زرقان (دوره سوم) تهیه و نصب مجسمه سید عمادالدین نسیمی در میدان جلو گلزار شهدای زرقان می‌باشد که به منظور تجلیل از این شخصیت عظیم تاریخی ایران و جهان، صورت گرفته است و بخاطر ارتباط عاطفی مردم زرقان با این مزار متبرک و موضوع شهید و شهادت، همزمان با ایام سوگواری سالار شهیدان و در روز یکشنبه پنجم محرم ۱۴۳۲ و ۲۱ آذرماه ۱۳۸۹ با حضور مردم و مسئولین پرده برداری شد.

### سفر به گذشته

زرقان به لحاظ موقعیت جغرافیایی و فاصله آن تا شهرهای اطراف همیشه محل اطراق مسافران و پیک‌های دولتی بوده است. بدون شک تمام جهانگردانی که از طریق خلیج فارس وارد ایران می‌شده‌اند یا از این طریق از ایران خارج شده‌اند، حتماً یک شب (یا بیشتر) در زرقان توقف داشته‌اند و بعضی از آنها حاصل مشاهدات و احساسات خود را روی کاغذ آورده‌اند.

سفر ما به گذشته شهر و دیارمان از چند جنبه حائز اهمیت است، اول اینکه با حال و هوای شهر در زمان‌های مختلف آشنا می‌شویم. تاریخ ما دارای فراز و نشیب‌های بسیاری است و به همین خاطر حال و هوای شهر در تمام زمان‌ها مثل هم نیست. گاهی آن را به صورت شهری بزرگ و با شکوه می‌بینیم و گاهی به صورت دهکده‌ای ویران. گاهی آن را سرسبز و آباد می‌بینیم و گاهی فقرزده و نابسامان.

دوم اینکه می‌توانیم تا حدودی به پیشینه تاریخی خود پی ببریم و حتی رد پای آن را تا زمان ساسانیان و هخامنشیان دنبال کنیم. از این طریق می‌توانیم گذشته را به حال و حال را به آینده وصل نماییم.

سوم اینکه می‌توانیم با خواندن سفرنامه‌ها انبساط خاطری پیدا کنیم، در اطراق گاه‌های گذشته بار از دل بیفکنیم، در زیر سایه‌های اساطیری‌اش بیارامیم و به آواز پرندگان افسانه‌ای‌اش گوش دل بسپاریم. شاید در همین سفر با نیاکان با صفایمان برخورد کنیم و به آنها «خدا، قوت» بگوئیم.

می‌توانیم آنها را به «حال» دعوت کنیم و راه «آینده» را از آنان پرسیم. خدا می‌داند، شاید در زمانی به «آبادی» آنها برسیم که سفره ساده‌شان را بی‌ریا روی «بوریا» گسترده‌اند و ما را به خوردن «آو کَلَمک باستانی» دعوت می‌کنند. آن وقت ممکن است بفهمیم که همه ما که الان از هم دور افتاده‌ایم و در شهرهای مختلف داخل و خارج پراکنده شده‌ایم، در گذشته‌ای نه چندان دور، اعضای یک خانواده بوده‌ایم برادر و خواهر و پسر عمو و دختر خاله و پسر دانی و ... شاید آنهایی که هنوز در زرقان یکدیگر را با این اسم‌ها صدا می‌کنند، به این نکته واقفند که «همه‌ی زرقانی‌ها از یک رگ و ریشه‌اند». پس عشق و علاقه به برگشت و دید و بازدید با یکایک مردم (حتی آنهایی که نمی‌شناسیم) بی‌شک نوعی صلح‌رحم و دیدار از خویشاوندان نسبی و سببی تاریخی است و به خاطر همین جاذبه نامرئی است که زرقانی‌ها در هر جای دنیا که باشند دلشان برای شهرشان می‌طپد و همیشه سراغ «زنده‌ها و مرده‌های» آن را از دیگر پرنده‌های مهاجر می‌گیرند. شاید بزرگترین و با ارزش‌ترین سوغاتی که از «سفر به گذشته» با خود می‌آوریم، همین «صلح‌رحم» باشد. و چهارم اینکه، اینکار برای جوانان می‌تواند آغازی به «سفرنامه خوانی» و «سفرنامه نویسی» و انجام پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و زبان‌شناسی باشد. چه در آن سفرنامه‌ها اسم زرقان آمده باشد چه نیامده باشد.

در این قسمت به تعدادی از این کتاب‌ها و سفرنامه‌ها به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم:

### المسالک و الممالک اصطخری

«اصطخری» متوفای سال ۳۴۶ هجری قمری از سال ۳۰۳ هجری روی به سیاحت نهاد و نخستین جغرافی‌نویس ایرانی است که کتاب خود را بر اساس مشاهدات شخصی نگاشت. وی ممالک اسلامی را به نوزده منطقه تقسیم نموده و ویژگی‌های جغرافیایی، سوابق تاریخی و مسافت‌های بلاد هر منطقه را شرح داده است. او ایران را از جنوب به شمال و از مشرق به مغرب سیاحت کرده و به ویژه موطن خود ایالت فارس را جزء به جزء شرح داده است. اصطخری در قسمت ذکر راه از شیراز می‌نویسد: و این راه خراسان است از شیراز تا زرقان شش فرسنگ و از اصطخر تا آخر ...

همچنین در جای دیگری از کتاب خود درباره شکست احمد ابن عبدالعزیز به دست عمرو لیث صفاری در زرقان می‌نویسد: «مهرگان پسر روزبه پادشاه زمیگان است ... و مهرگان پیش از گیلویه بوده و شأن و شوکتی از گیلویه بالاتر داشته است. پس از مهرگان برادرش سلمه به جای او نشست، چون سلمه مرد آنجا را تصرف کرد و کارش به جایی رسید که این سرزمین را به نام او می‌خواندند - و با همدستی سران ایلات دیگر دست به کارهای زد که در پذیرش مردم بوده است - و با خاندان ابودلف عجلی ستیز کرد - که از سوی دستگاه خلافت مأمون و معتصم که فرمانروای لرستان بود، و مأمون و معتصم با شنیدن خبر شکست ابودلف با لشکری بزرگ گیلویه را شکست داد و سر از تن وی جدا کردند - چون احمدبن عبدالعزیز در زرقان از دست عمرو لیث صفاری شکست خورد سر گیلویه به دست عمرو افتاد و حکمرانی کهگیلویه به دست خاندان گیلویه بازپس آمد.

### احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم

ابوعبدالله محمدبن احمد مشهور به مقدسی صاحب کتاب احسن التقاسیم فی معرفه اقالیم نیز که از جهانگردان و مورخان و جغرافی نویسان بزرگ جهان اسلام است که در قرن چهارم هجری به ایران مسافرت کرده است و حاصل مشاهدات خود را بطور دقیق نوشته است. مقدسی در ذکر فاصله شهرها در صفحه ۴۵۵ کتاب خود فاصله شیراز تا زرقان را یک روز ذکر می‌کند و از این شهر بنام رکان نام می‌برد.

### صورة الارض

۲- این حوقل که همعصر اصطخری بوده در کتاب صورة الارض در مورد دریاچه های فارس می‌نویسد: دیگر دریاچه باسفریه است که دیر باسفریه در آن واقع است و طولش نزدیک به هشت فرسخ است و آبش شور و صیدش فراوان و در اطراف آن بیشه های فراوان است و از آنجا نی و بردی (گیاهی نی مانند) و گیاه روخ (نوع گیاه که از آن حصیر بافند) و جز آن بدست می‌آید و مردم شیراز بدان فراخی می‌یابند و این دریاچه در ولایت اصطخر مجاور زرقان از روستای هزار است. در همین کتاب در ذکر مسافت فارس می‌نویسد: راه شیراز به یزد که همان راه خراسان می‌باشد چنین است از: شیراز به زرقان ۶ فرسخ از زرقان که دارای منازل بر وادی عذب است تا اصطخر ۶ فرسخ ...

### سفرنامه شاردن فرانسوی

۳- شاردن فرانسوی که در زمان صفویه در سالهای بین ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۰ میلادی در ایران بوده است در سیاحتنامه خود در فصل مربوط به تعریف و توصیف زرقان و کارهای تیمور لنگ می‌نویسد: در همان مسیر سابق، در یک جاده بسیار خوب و بالنسبه مستقیم شش فرسنگ راه پیمودیم و در زرقان منزل کردیم. این آبادی کوچکی است که بیش از دو هزارخانه و باغچه ندارد و در یک دشت باریکی که کنار کوهستان قرار گرفته گسترده است. فاصله جبالی که آنرا محصور ساخته اند بیش از نیم فرسنگ نمی‌باشد اراضی زرقان به قدر کافی مثبت و حاصلخیز و خوب و خوش است. در تابستان آب و هوای آن خنک و مشحون است. اطراف و اکناف شهر مسطور از باغات و بساتین سبز و خرم است ولی در داخل بلده غیر از اطلال و مخروبه چیز شایان توجهی دیده نمی‌شود. بر حسب تواریخ ایرانی این شهر در دوره اردشیر بابکان قرنهای پیش از ظهور اسلام بوجود آمده است. چنانچه از اسناد مزبور مستفاد می‌شود زرقان دارای بیست هزار باب خانه و باغچه بوده است و این ادعا کاملاً حقیقت می‌نماید، چون هنوز هم در حوالی یک میل و بیشتر شهر آثار و بقایای مخروبه مشاهده می‌شود. تیمور لنگ نخستین بار که از آنجا عبور می‌کرده سرتاسر شهر را ویران ساخت، ولی بار دوم یعنی هنگام مراجعت از ترکیه پس از اطلاع از گذشته متمدن و درخشان فرهنگی زرقان و آگاهی از ظهور دانشمندان متعدد و عالی مقام در آن، یک قسمت از شهر را مجدداً آباد کرد. این موضوع در میان نویسندگان شرقی سخت مشهور است اقوام ترک و تاتار که بعد از تیمور لنگ به سرزمین ایران یورش آورده‌اند چندین بار این شهر را ویران و با خاک یکسان ساخته و سکنه آنرا قتل عام کرده‌اند و در حقیقت از آغاز سده جاری است که از نو در آبادانی زرقان اقدام کرده‌اند.

### سفرنامه حاجی پیرزاده

سفرنامه حاج محمدعلی پیرزاده نائینی، تاریخ نگارش: سال ۱۳۰۶ هـ ق (هـ ش ۱۲۶۴) حاجی پیرزاده در نیمه دوم قرن سیزدهم به دنیا آمده و شخصی عارف و عالم بوده و مورد احترام اشخاص عامه و رجال بوده است. وی دو سفرنامه به فرنگ داشته از سفر اول که به سال ۱۲۸۵ هـ ق (هـ ش ۱۲۴۳) انجام شده اطلاعی در دست نیست اما حاصل سفر دوم که در سالهای ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۶ هـ ق (۱۲۶۱ تا ۱۲۶۴ هـ ش) صورت گرفته یک سفرنامه ۲ جلدی است که مطالب ذیل از این سفرنامه است.

مسیر سفر از تهران به قم و اصفهان و ایزدخواست الی ایوب و زرقان و بوشهر و کراچی و بمبئی و قاهره و اسکندریه و پاریس و لندن بوده است وی در قسمتی از سفرنامه خود در مورد زرقان می‌نویسد:  
از قریه اسپدرو «Spedro» تا زرقان ۷ فرسنگ مسافت است قبل از ظهر وارد قریه زرقان شده و در یک خانه، منزل تعیین نمودیم. جناب صاحب دیوان در خانه ابراهیم زرقانی و جناب امام جمعه در مسجد منزل نموده‌اند.



### نزول در قریه زرقان و اوصاف آن منزل

قریه زرقان دو هزار خانوار جمعیت دارد و قریه آبادیست و بسیار قاطر و قاطرچی و مکاری در آن هست و مردمان آنجا صاحب مکتب و متمول می‌باشند و از هر نوع میوه و ماکولات در دکان و بازار یافت می‌شود و صابون خوب در زرقان درست می‌کنند. گاوهای بسیار بزرگ در زرقان هست و گوسفندهای قریه در آنجا یافت می‌شود و قریه زرقان در دامنه کوهی واقع است که آن کوه بسیار مرتفع و همه سنگ است و خاک ندارد و در شرق زرقان واقع است و بعضی خانه‌های قریه تا به دامنه بلندی کوه رسیده و خانه‌های مرتفع ساخته‌اند و روی خانه‌ها به سمت مغرب است و آب آنها از چاه است. در هر خانه یک چاه کنده‌اند و آب از آن بر می‌دارند و زراعت آنجا بعضی از نهر جاری و بعضی از گاو چاه است.

در قریه زرقان شب را توقف نموده، سه ساعت به صبح مانده حرکت نموده و در محل آب باریک نماز صبح را به جای آوردیم. حاجی پیرزاده در راه برگشت از سفر به تهران نیز از زرقان گذشته است وی در جلد دوم سفرنامه خود می‌نویسد:  
به سنه ۱۰ جمادی‌الاول سال ۱۳۰۶ هـ ق (۱۲۶۴ هـ ش) [۱۰۹ سال پیش] از شیراز حرکت کردیم. عبدالله نامی، که از اهل زرقان به جهت خدمت و کجاوه‌کشی تعیین نمودیم که موجب آن ماهی ۲ تومان ۶ قران است عجاله که آدمی زرنگ و خدمت‌گویی است. از شیراز به مسافت ۵ فرسنگ به قریه زرقان رسیدیم عبدالله قدری جلو رفته خانه خود را برای منزل تعیین نمود. شب را در منزل وی منزل نمودیم والده او شامی تدارک نموده و عیال او بعضی خیاطی و خدمت که داشتیم انجام داده و کمال مهربانی را به جای آورد و صبح یکشنبه یازدهم جمادی‌الاول سنه ۱۳۰۶ هـ ق (۱۲۶۴ هـ ش) از قریه زرقان حرکت کردیم.

### سفرنامه ابراهام والتین ویلیامز جکسون

ابراهام والتین ویلیامز جکسون Abraham Valentine Williams Jackson در سال ۱۸۶۲ در نیویورک متولد شده و در سال ۱۸۸۷ موفق به اخذ دکتری گشته و به مدت ۴۰ سال به تدریس زبان‌های هندی و ایرانی در دانشگاه کلمبیا اشتغال داشته. وی یک محقق نامی درباره زبان ادبیات و دین و آئین ایران باستان بوده و کتاب‌هایی نیز در این زمینه دارد.  
جکسون ۳ سفر به ایران داشته در سال‌های ۱۹۰۳ و ۱۹۱۸ و ۱۹۲۶. سفرنامه زیر مربوط به اولین سفر جکسون در سال ۱۹۰۳ میلادی است. در فصل ۲۱ کتاب به نام شیراز زادگاه شاعران آمده است در چند کیلومتری بندامیر آبادی زرقان در دامنه کوهی آشیان گرفته است. و چاپارخانه تعویض اسب‌ها هم در آن‌جاست. چون در آن هنگام هوا خیلی گرم بود مأمورین چاپارخانه مقرر خود را به کنار جاده اصلی منتقل ساخته و در یک چادر جایگزین شده بودند. و این امر مرا از رفتن تا توقف‌گاه اصلی چاپارها نجات داد. در لحظه‌ای که ما می‌خواستیم اسب‌ها را عوض کنیم از بخت بد اسب‌های چاپارخانه رَم کردند و قبل از آنکه چاروادارها بتوانند آنها را بگیرند حدود یک کیلومتر دور شدند. در زمانی که اسب‌ها را می‌گرفتند و حاضر می‌کردند ما استراحتی کردیم و تلف شدن وقت را با خوردن یکی دو فنجان چای خوب تلافی نمودیم. نیم ساعتی هم به یادداشت برداشتن از اطراف و نظاره قیافه‌های مختلف بومیان گذشت. اهالی فارسستان زیباترین چهره‌های ایرانی را که تا آن موقع دیده بودم داشتند. و این سخت توجه مرا به خود جلب کرد.  
یاد زرقان به خاطر حادثه‌ای که هنگام بازگشت برای جلودار اسب‌هایم اتفاق افتاد هنوز در خاطر من باقی است. یابوی بارکش من که مانند بیشتر اسب‌های ایرانی حیوانی چموش و سرکش بود او را لگد زد. نخست فکر کردم که پای مرد بیچاره شکست ولی چون جراحتش را معاینه کردم دریافتم که کاسه زانو سالم است. پس از عبور از زرقان مرحله مشکل راه آغاز شد.  
نویسنده در جایی دیگر نام زرقان را مجدداً برده است:  
قسمت چهارده : ... در توقف‌گاه کوچک ده‌بید (دهی از دهستان مرودشت بخش زرقان شهرستان شیراز) استراحت کردیم... ظهر روز پنجم به مشهد مرغاب (دهستان بخش زرقان شهرستان شیراز) رسیدیم...

### سفرنامه فرصت‌الدوله

کتاب آثارالعجم نوشته سیدمحمد نصیر حسینی معروف به فرصت‌الدوله در سال ۱۳۱۲ هـ ق (۱۲۶۹ هـ ش) نوشته شده است و توضیحات مشروحی درباره تاریخ و جغرافیای بلاد و اماکن فارس دارد.  
فرصت‌الدوله در رمضان ۱۲۷۱ هـ ق (۱۲۲۹ هـ ش) در شیراز متولد شده و در شیراز به تحصیل پرداخته است و در سن ۳۳ سالگی به دیدار سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بوشهر شتافته است. وی در انقلاب مشروطه نیز در تهران بوده و نقش مهمی را ایفا نموده است و بعد

از انقلاب مشروطه به سمت ریاست معارف فارس گماشته شده و مدتی نیز ریاست عدلیه (دادگستری) فارس را بر عهده داشته است. در سن ۶۹ سالگی در سال ۱۳۳۹ هـ.ق (۱۲۹۷ هـ.ش) در شیراز دار فانی را وداع گفته و در کنار آرامگاه حافظ به خاک سپرده شده است. در کتاب آثار العجم در مورد هر شهر فارس توضیحاتی داده شده در مورد زرقان در این کتاب آمده است:

به تاریخ شهر ربیع‌الاول ۱۳۱۱ هـ.ق ۱۲۶۹ هـ.ش ...

زرقان: قصبه‌ایست میان شرق و شمال شیراز به مسافت ۷ فرسنگ از شیراز و آن قصبه در دامنه کوه بسیار مرتفعی واقع شده است و قریب هزار خانه دارد مخلوقش را تقریباً دوازده هزار گویند.

باغستان چندانی ندارد درخت رزش بسیار است و مردمان آنجا اکثراً صاحب مال‌اند و کارخانه‌های جولائی (بافندگی کرباس) متعدد دارد و بر بالای کوهی که قصبه در دامان است جلگه‌های وسیع است و در بعضی از جاهای آن جلگه آثار عمارات و ابنیه قدیمه مشهود است ولی به کلی خراب و ناچیز است، روزی در جایی خواندم که نگاشته بودند آن بناها از گشتاسب بوده و چند دخمه نیز در عقب آن کوه است و شکار آن کوه بی‌حساب است و این از غرایب آنجاست. قنات جمشیدی که قریب به قصبه است و ممر آبی که در آنست به مقدار چهل ذرع گشادگی دارد و به قدر ۵ یا ۶ ذرع ارتفاع آن ممر است بالمثال دو سه نفر با نیزه می‌توانند در آن قنات راه پیمایند. مزار سیدعمادالدین نسیمی شیرازی در آنجاست و زیارتگاه است. در سنه ۸۳۷ هـ.ق و ۷۹۵ هـ.ش به شهادت رسیده است.

### سفرنامه پی‌یر لوتی

شاعر و نویسنده بزرگ و شهیر فرانسوی «پی‌یرلوتی Pierre Loti» تقریباً یکصد سال پیش در اواسط بهار زرقان را دیده و توصیف‌های لطیف و شاعرانه‌ای از زرقان کرده که نه تنها برای زرقانی‌ها بلکه برای هر خواننده اهل ذوقی خواندنی و شنیدنی است: او در کتاب سفر به اصفهان می‌نویسد: شب فرا می‌رسد. آبادی کوچکی در میان این مجموعه سنگها به چشم می‌خورد: دنباله چمنهای سبزش نمایان است. این چمنها و مزارع، وسیله ارتزاق مردم دهکده‌ای است که خانه‌های کوچک و گلین آن در پای صخره عظیمی واقع شده است و به لانه‌های محقر پرستوها شباهت دارد. اینجا «زرقان» است و ما شب را در آن خواهیم گذرانید. به هنگام شفق، با غم و اندوه از بازار کوچک آن می‌گذریم. دیوارهای اتاق کاروانسرا شکاف خورده و در طاق آن خفاشهای لانه گزیده‌اند. ما در این اتاق می‌خوابیم. هوای خنک از روی ما عبور می‌کند. صدای قورباغه‌هایی که در علفزارهای این دشت فراوانند، آهنگ متناسبی را ایجاد می‌کند که به گوش ما می‌رسد.

هنگامی که در «زرقان» مرا از خواب بیدار می‌کنند، هنوز آفتاب طلوع نکرده است. وقتی در هوای خنک بامدادی از اتاق گلین خویش خارج می‌شویم و از بالای مهتابی به جلو نگاه می‌کنیم، حیاط کاروانسرا و در وسط آن اسبان کاروان خود را می‌بینیم. همراهان من و مسافران دیگر در کنار دیوار نشسته مشغول صرف چای و کشیدن غلیبان بامدادی‌اند. همه آنها روی قالیها و خورجینها و روپوشها که تجملات عمده این کشور را تشکیل می‌دهند و به این زودیها کهنه و سائیده نمی‌شوند دراز کشیده‌اند. قدری جلوتر، دشت پیوسته به دهستان دیده می‌شود و آن طرف‌تر، کشتزارهای تریاک که گل‌های سپید آنها باز شده است به چشم می‌خورد. در یک سو تا چشم کار می‌کند مزارع تریاک امتداد دارد و طرف دیگر، به سلسله کوهها و سنگهایی که منظره وحشتناکی دارند، ختم می‌شود. پیدا است که این گل‌های سفید و بوته‌های زیبا فقط در حال حاضر و در موقع طلوع آفتاب چنین صفا و زیبایی ویژه‌ای دارند و حال آنکه محصول نهائیشان سم مؤثری است که ساکنان خاور دور آن را با بهائی گزاف می‌خرند و دودش را استنشاق می‌کنند. هیچ درختی در اطراف دیده نمی‌شود، ولی دریائی از گل‌های سفید دامن گسترده، در اثر برخورد با کنار کوههای عظیم خلیجی تشکیل می‌دهد. بخارهای صبحگاهی که اندکی بنفش رنگ و شفاف است تا فواصل بسیار دور کشیده شده و افق را در قسمتی که آفتاب نزدیک به طلوع است اندکی تیره می‌سازد. در آنجا، مزارع پر گل و زیبا با آسمان مشتبه شده، بدان می‌پیوندد .

### سفرنامه کارستن نیبور

نیبور سیاح و شرق شناس معروف اروپائی در سال ۱۷۳۳ میلادی یعنی ۱۱۱۲ هـ.ش (۲۶۱ سال پیش) در آلمان متولد شد. در سال ۱۷۸۵ (۱۱۳۷ هـ.ش) به نیبور پیشنهاد سفر به عربستان و چند کشور شرقی داده شد. هدف از سفر، بررسی مسایل مهمی درباره لغت‌شناسی عهد عتیق و مسایلی پیرامون فرهنگ و جغرافیای مشرق زمین و از جمله ایران بود. تدارکات سفر ۳ سال طول کشید و بالاخره در سال ۱۷۶۱ میلاد (۱۱۴۰ هـ.ش) سفر نیبور و ۵ نفر همراه وی از شهر کپنهاک از راه دریا آغاز شد. این گروه در حین سفر از

کشورهای عربستان، مصر، ترکیه، عمان و ایران عبور نموده و در همه جا مشاهدات فرهنگی و جغرافیائی خود را یادداشت و بعضی را به تصویر کشیده‌اند.

حاصل سفر نیبور ۳ کتاب مهم شرق‌شناسی است که اعتبار ویژه‌ای دارند. نیبور در اوایل دوره زندیه در تاریخ ۴ فوریه ۱۷۶۵ میلادی (بهمن ماه ۱۱۴۴ هـ.ش) وارد بوشهر شد و مدتی را در بوشهر گذرانید. و یکماه بعد وارد شیراز شده و ۸ روز در شیراز مانده و بعد از آن به طرف تخت‌جمشید حرکت کرد. در تاریخ ۱۳ مارس ۱۷۶۵ یعنی دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۱۴۴ وارد زرقان شده و درباره زرقان نیز مشاهدات خود را نوشته است. وی در مورد زرقان می‌نویسد:

«از شیراز که خارج شدیم پس از ۵/۵ ساعت به زرقان رسیدیم بیشتر راه کوهستان و سنگلاخی است زمین‌های حاصلخیز ناباداند حتی به نظر می‌رسد که درخت‌ها هم از جنگ‌های زیادی که در این حوالی رخ داده است شکیوه می‌کنند. چون جوی‌ها و قنات‌هایی که زمانی به ریشه‌های این درخت‌ها آب می‌رسانیدند یا راه‌های دیگری جسته‌اند و یا به کلی ویران شده‌اند.

کاروانسرای باد سیاه خیلی محکمتر از آن ساخته شده بوده است که خودبخود ویران شود. از دهکده‌ای که در نزدیکی این کاروانسرا قرار داشته است کوچکترین نشانه‌ای برجای نمانده است. در این راه خرابه خانه‌ای را نشانم دادند که در کنارش درختی قرار دارد و از این نظر جالب است که سابق بر این وقتی شاه حکومت، حاکم شیراز را مورد تأیید قرار می‌داد حاکم زیر این درخت خلعتش را می‌پوشید و ضمن تشریفات سواره به شهر می‌رفت.

ده زرقان به صورت هلال ماه در کنار کوه بلندی قرار دارد و طرف پائین ده دیوار ضعیفی به ارتفاع هفت پا دارد. از بدشاسی این ده چند سال پیش دوخان در نزدیکی ده با هم جنگیدند. و نتیجه جنگ این شد که خان پیروز همه ساکنین ده را به زندان انداخت و خانه‌هایشان را ویران کرد. از این رو حالا فقط قسمت کوچکی از این ده در دامنه کوه مسکون است. دیوار خانه‌های این ده مثل دیوارهای همه ده‌های دیگری که در ایران دیده‌ام یا از خاک است و یا از خشت. اما سقف‌ها شیب‌دار و از نی ساخته شده‌اند. چون هنوز ماه رمضان بود و در این ماه مسلمانها در طول روز چیزی نمی‌خورند راهنمای من شب هنگام از خودش پذیرائی بیشتری کرد.» نیبور در روز ۱۳ مارس ۱۷۶۵ از زرقان خارج شده و از راه بندامیر به تخت‌جمشید رفته و تا ۷ آوریل (فروردین ماه) در تخت‌جمشید مانده و بعد از ۲۵ روز از راه پل خان مجدداً از زرقان به مقصد شیراز عبور نموده در این مورد می‌نویسد: راه بین زرقان و شیراز بیشتر کوهستانی است. از پل خان که روی رودخانه کر است تا زرقان دو ساعت در راه بودیم. حال این راه کاملاً خوب بود اما پس از بارانی مداوم و طولانی این راه خیلی بد می‌شود، چون تمام جلگه در زیر آب قرار می‌گیرد.

نیبور بعد از خروج از شیراز به بوشهر رفت و از آنجا سفر خود را ادامه داد. نیبور درباره لباس‌های مردم آن زمان می‌نویسد: لباس ایرانیان با لباس عربها و ترکها فرق زیادی دارد. یک افسر بلند پایه کلاه چهارگوشی بر سر می‌گذارد که دور آن چیزی شبیه به شال پیچیده شده است...، حالا همه ایرانیها موهای شقیقه خود را بلند می‌کنند و موی چانه و گونه‌هایشان را قیچی کرده کوتاه نگه می‌دارند، همه قبای بلندی بر تن دارند که تا قوزک پایشان می‌رسد. آستینها تنگ هستند و سر آستینها دکمه دارد. شلوارشان که از پارچه نخی راه‌راه و ابریشم است گشاد و بلند است. قبای مردان متشخص در زمستان آستری از پوست دارد. زنها به سرشان دستمال و لچک زیاد می‌پیچند و بعد روی این دستمال و لچک چادری سفید می‌اندازند. آنها حتی در جلو صورتشان هم دستمال سفیدی می‌آویزند. و معمولاً نعلین‌هایی که گل‌های زیبایی دارد می‌پوشند...

## دو سفرنامه از جنوب ایران به سالهای ۱۲۵۶ و ۱۳۰۷ هـ.ق.

### ۱ - سفرنامه اول: ۱۲۵۶ هـ.ق، ۱۲۱۴ هـ.ش

متن زیر گزیده‌ای است از سفرنامه‌ای که در زمان محمدشاه توسط شخصی به نام مهندس حکمت که ظاهراً یکی از مأموران رسمی قشون بوده نوشته شده است. این شخص به دستور رسمی محمدشاه در ۲۷ جمادی‌الاول سال ۱۲۵۶ هـ.ق سفر خود را از اصفهان به سمت شیراز آغاز نموده مسیر سفر وی به ترتیب از اصفهان به شیراز و به بوشهر و گناوه و عسلویه و بندر دلبم بوده است. هدف از سفر شناسائی راه‌های داخلی برای امکان استفاده نظامی هرچه بهتر در مواقع لازم بوده است. از آنجا که مهندس حکمت آگاهی کامل از فن نقشه‌برداری داشته است در هر جا وضعیت جغرافیایی و راه‌ها نقشه آنجا را برداشته است و شرحی درباره کوهها و رودها و منازل بین راهها و تعداد سکنه و محالات و جاهای باستانی نوشته است.

این شخص پس از حرکت از اصفهان بعد ۳۶ روز در روز ۸ رجب از راه تخت‌جمشید و بندامیر وارد زرقان شده و در گزارش خود به محمدشاه درباره زرقان چنین نوشته است:

بعد از حرکت از محل بندامیر وارد قریه زرقان شدیم و مسافت این راه مساوی سه فرسنگ است و جمعیت قریه مذکوره دویست خانوارند و میانه این راه بیشه و نی‌زار است و آب آن بیشه از چشمه‌ای است که از کوه پشت زرقان می‌آید و در آنجا جمع می‌شود. بدین جهت بیشه و نی‌زار است و سه سمت قریه مذکوره کوه است و اصل ده به پای دامنه کوه واقع است.

مهندس حکمت یک شبانه‌روز در زرقان مانده و روز هشتم زرقان را به مقصد شیراز ترک نموده و در این باره نوشته است:

بعد از حرکت از محال زرقان روانه بلده شیراز شدیم و مسافت این راه مساوی پنج فرسنگ و تمام راهش نشیب و فراز است و ...

## ۲- سفرنامه دوم: ۱۳۰۷ هـ. ق، ۱۲۶۵ هـ. ش

این سفرنامه اثر محمدحسین میرزا مهندس قاجار و علیخان مهندس است این دو تن از مهندسين عهد ناصری و ظاهراً از فارغ‌التحصیلان رتبه اول دارالفنون بوده‌اند.

منظور از انجام این سفر که در سال ۱۳۰۷ هـ. ق صورت پذیرفته پیش‌بینی مخارج تسطیح و مرمت راههای شیراز به شهرهای مجاور آن در استان فارس و تعیین منازل مناسب جهت استراحت اردوی والی بوده است.

این احتمال نیز وجود دارد که ناصرالدین شاه که شوقی وافر به سفر کردن داشته قصد کرده آب و هوای شیراز را هم تجربه کند و مهندسين مزبور مأمور شده‌اند که راه مناسب رفت و برگشت او را شناسائی کرده و برای بهبود راهها طرحهای لازم را ارائه دهند. لازم به ذکر است که ناصرالدین شاه آرزوی این سفر را به گور برد.

مسافرت این دو مهندس که در زمان حکمرانی فرهاد میرزا معتمدالدوله والی فارس صورت گرفته از لحاظ تاریخ‌نگاری و جغرافیای جنوب کشور حائز اهمیت است.

راه رفت و برگشت این سفر متفاوت بوده و سفر به ترتیب از تهران به قم و محلات و گلپایگان و کمره و خوانسار و نجف‌آباد و از خط بیلاقی فارس به سمت پائین و شهر شیراز و کوار و فیروزآباد گرمسیر بوده و بازگشت از شهر شیراز در امتداد خط قشلاقی فارس به زرقان و بندامیر و تخت‌جمشید و بوانات قنقروی الی آباده و اصفهان و نطنز و کاشان و قم و تهران بوده است.

این سفر در سال ۱۳۰۸ هـ. ق خاتمه یافته یعنی یک سال طول کشیده است. این سفرنامه به صورت منزل به منزل نوشته شده یعنی هر جا که اطراق می‌کرده‌اند یک منزل محسوب می‌شده است. منزل چهارم این دو نفر زرقان بوده است، آنها در گزارش به ناصرالدین شاه چنین نوشته‌اند:

منزل چهارم اردوی مبارک همایونی زرقان است. که از راه قشلاق فارس به آباده می‌رود. قصبه زرقان از شیراز چهار فرسنگ و سه ربع مسافت دارد خالصه دیوان اعلی و سپرده به بیگلریگی شیراز است مشتمل بر یک هزار و سیصد خانوار رعیت بومی که دو ثلث آن زارع و یک ثلث مکاری که تقریباً با سیصد رأس قاطر و الاغ کرایه‌کشی می‌نمایند. تعداد نفوس آن قریب شش هزار نفر است. این آبادی که خانه‌های آن از خشت و گل است خالی از استحکام نیست. در دامنه جنوبی کوه سنگی مرتفع طولانی خشک بی‌آب و علفی واقع و متصل است که نیز معروف به کوه زرقان است.

دارای دو باب حمام و یک طاحونه، چند باب مسجد است و مختصر رعیتی دارد قریب ۳۰ باب دکان دارد که بعضی لوازم سکنه و عابرین در آن یافت شود. چارپارخانه دولتی نیز در این جاست. آب آن از یک رشته قنات شیرین و قریب سی دستگاه چاه آب معمولی است.

زراعت آن هم از آب و هم از دیم به عمل آید از قبیل غله و تریاک و پنبه و کمی خیار و طالبی و هندوانه یافت شود. باغات از هیچ قبیل مشاهده نشد بلکه سوای چند اصله درخت بید کلیه این آبادی اشجاری ندارد در دامنه کوه «کله‌کا» که در جنوب شرقی است قلیلی رزستان جدید غیر مثمر ملاحظه شد. معدن برف بعضی از سنوات در دره‌های کله‌کا سوای هذلسنه یافت شود.

شکار نیز در این کوه که در یک فرسنگی واقع است بز و میش و قوچ و پازن یافت شود. کبک در این حدود به ندرت دیده شود. شرح راه شیراز الی باجگاه قبلاً به عرض رسید. از باجگاه الی زرقان که تقریباً دو فرسخ و سه ربع است. تمام آن سوای نیم فرسنگ اخیر در امتداد ماهورهای پست سنگی پر سنگلاخ ممتد است. و یک گردنه مختصری در نیم فرسنگ بعد از باجگاه دیده می‌شود که کلیه حرکت عراده با اندک صعوبت ممکن است و کالسکه‌های حکام فارس نیز از همین محل عبور می‌کنند چنانچه بخواهیم تمام این پنج

فرسنگ را در عرض سه ذرع اصلاح نمائیم چهار صد و پنجاه تومان بر روی هم مخارج دارد. آبی در این امتداد سوای رکنی و چشمه باجگاه و نهر زمینی قریه «توده» که در یک فرسنگی زرقان واقع است دیده نمی‌شود و این نقطه قنات توده برج منزل مستحفظین راه است.

ابتدا در این راه حاجت به پل نیفتد. جلگه زرقان که جزو حومه شیراز است در طول دو فرسنگ و عرض یک فرسنگ و نیم کمابیش در وسط کوهساری است که شمال آن معروف به کوه زرقان و مغرب به دنگله و مشرق به کله‌کا و جنوب به کوه توده. و در این مسافت سوای قریه مشجر توده که در یک فرسنگی زرقان است و از جاده کنار افتاده است دیگر آبادی ملاحظه نشود. نوکر دیوانی ندارد. میوه آن از شهر حمل شود. صنعتی جز ملکی‌دوزی که خالی از امتیاز نیست ندارند.

فاصله زرقان به بندامیر سه فرسنگ است. ابتدا پس از ربع فرسنگ در امتداد کوه زرقان راه در سمت شمالی این کوه به طول یک فرسنگ از وسط چمن قیطرقلو عبور می‌نماید و پس از آن کوه سیاه کوه را قطع نموده داخل چمن آهوچر که حد شمالی آن رود کربال است و منتهی به سمت غربی مزارع بندامیر می‌گردد. طول چمن آهوچر که جز بعضی سیاه آب آبی ندارد قریب دو فرسنگ است و تمام این راه کالسکه با تعمیری عبور می‌نماید وارد بندامیر می‌شود. مخارج راه‌سازی پل‌سازی مختصر که کالسکه از حوالی بندامیر عبور کند و از بند میرزا بگذرد قریب یکصد و پنجاه تومان است!...

این دو نفر از طریق بندامیر به تخت‌جمشید رفته و به تهران بازگشته‌اند. در پایان این کتاب قسمتی وجود دارد به نام «توضیحات» که توسط مصحح به کتاب اضافه شده و به توضیح بعضی از اسامی سفرنامه پرداخته است که ذکر بعضی از قسمتهای آن بطور کوتاه، خالی از لطف نیست:

ابوالوردی: دهی از دهستان مشهد مرغاب بخش زرقان شهرستان شیراز که ... الی آخر

سیونده: بزرگی است از زرقان شهرستان شیراز الی آخر...

فاروق: از روستاهای دهستان زرقان شهرستان شیراز ... الی آخر

قادرآباد: از روستاهای دهستان زرقان شهرستان شیراز... الی آخر

مشهد مرغاب: از توابع زرقان ... الی آخر

کمین: از توابع زرقان ... الی آخر

زرقان: در نزدیکی شیراز واقع حدود اربعه آن به قرار ذیل است:

از شمال، شهرستان آباده، از جنوب به بخش سروستان و بخش مرکزی شیراز، از باختر به بخش اردکان و از خاور به بخش نیریز. هوای آنجا معتدل و آبش از رود کر و رود سیوند و چشمه و قنات تأمین می‌شود... و مرکز آن زرقان است. بخش زرقان در حال حاضر دارای سه دهستان به نامهای کربال، حومه و ارستجان می‌باشد که بر روی هم دارای ۱۳۷ پارچه آبادی می‌باشد. در زرقان به دلیل قدمت آن آثار باستانی و تاریخی وجود دارد که از جمله آنها دو امامزاده به نامهای امامزاده سید نصرالدین و امامزاده ناصرالدین می‌باشد. (شاید منظور او آرامگاه برادران نسیمی بوده چون در بخش زرقان کنونی، امامزادگانی با این نامها وجود ندارد).

### سفرنامه نوبختی

نوبختی کتابی دارد به نام کارنامه که مجموعه مقاله‌ها و سفرنامه‌های خود را در آن نوشته است. کتاب کارنامه او در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ شمسی بصورت پاورقی در روزنامه پارس منتشر می‌شد. کارنامه سوم او سلسله مقاله‌هایی تحت عنوان «شصت و پنج سال سیاحت در بازدیدگاه انگلیس» دارد که چندین بار به نام زرقان و ریشه یابی این کلمه اشاره کرده است و خاطره یک شب توقف در زرقان در محضر آخوند ملا علی اکبر، را کاملاً توضیح داده است و تصویری خیالی از زرگون باستانی و تصویری واقعی از زرقان در آن مقاله درج کرده است. در روزنامه پارس مورخ دوشنبه ۲۸ آذر ماه ۱۳۴۵ ش. به نقل از او چنین آمده است: کاخ زرگون، یکی از بناهای نامی عراق و ساخت آشوری‌ها بود به عصر هخامنشی، هخامنشیان با آن بنا، کاخی برآوردند و زرگون نام نهادند و جفت آن را نیز در شمال شیراز ساختند و آن را زرگون نامیدند و امروز بجای آن بنا دهی است که با فارسی ما «زرگون» نامیده می‌شود چون تاریخ آن به دسترس جغرافی نویسان ما نبوده است بگونه زرگون یا زرقان نوشته‌اند. این روستا بر دامنه کوه شمالی شیراز است و در مسیر «بوم شاه» و به سال یک هزار و سیصد و یک که ما به سیاحت آثار استخر رفتیم در این دهستان شبی را به سر بردیم، و ظاهراً بلخی اشتباه

نکرده است که استخر را بوم شاه نامیده است چون این نام به معنای پایتخت و استخر نیز شاه نشین بهاری شاهنشاهیهای هخامنشی بوده است و اردوان ارد پادشاه پارتی اشکانی هم در این شهر نشین داشته است.

نویختی در جایی از کتاب خود (بخش هفتم \_ از کتاب سوم) که در روز دوشنبه ۵ مهرماه ۱۳۵۰ از روزنامه پارس منتشر شده می‌نویسد: ... و عادت ایرانیان بر این بوده که اسامی شهرها را تکرار می‌کردند ولی تکرار آنها بی قاعده و تهی از رسم قانون نبود. آنها شهری را در شمال، آباد می‌کردند، در جنوب نظیر آن را از جهت زمین یا آب یا سببی دیگر به نظر گرفته به نام آن شهر شمالی می‌خواندند و گاهی هم در دو سه جا تکرار می‌شد و چه بسا که در کشورگشائی خود چه در اروپا چه در آسیا یا افریقا نام یکی از بلاد ایران را بر یکی یا بر چند آبادی بزرگ و کوچک خارجی می‌گذارند و به همین جهت شما که امروزه به کتاب‌های تاریخ یا نوشته‌های جهان‌بینی (جهانگردی) رجوع می‌کنید مکرر به اسامی ایرانی برخورد می‌کنید ..... و من این جمله را با این جهت یاد کردم که تعجب نکنید اگر بگویم زرغون ده بزرگ یا شهر کوچک زرگون تکرار کلمه زرگون یا سارگون است که ایرانیان در میان رودان ساختند. (منظور از رودان همان دجله و فرات است). در شهرستان سارگون کاخی بوده است نامش خسرو آباد است که در توصیفش می‌توان گفتن: دروازه بهشت و... تاریخ سارگون (فروپوتامی) را کمی بیش ورق زده‌اند و مختصری به احوال قدیم این شهر آگاه شده‌اند ولی تاریخ سارگون فارس [در اینجا ذکر شده] تا معلوم شود سال او از کی آغاز شده [یعنی قدمت او به چه زمانی بازمی‌گردد] و در میان شهرهای فارس چه نشان و هویتی داشته است که امروزه به این روز افتاده [که] ترکیبی است از جمعی دیوارهای مخروطی و کرت های زراعتی که بیشتر آنها «مو» و حاصل آنها «می» است. و در جوار تهران نیز دهکده ای است نامش زرگون‌ده که در عصر ما به گونه (زرگنده) محرف شده است و در زرگون ده باغی است بزرگ و تاریخی که روزی روسیه تزار می‌داشت و محمد علی میرزا چندی در آن ده به سر برد تا زمانی که مجلس به او اجازت داد به اروپا رهسپار شود....

در اصل، او در بررسی کلمه «زرگون» فقط یک کلمه را بررسی نکرده است بلکه یک فرهنگ باستانی را مورد کنکاش قرار داده آنچنانکه اگر یک گنج یافته بود، برای او کم اهمیت‌تر از یافتن کلمه زرگون که اصیل‌ترین گنج هنری عهد باستان بشمار می‌رود بوده است....



### گزارشی از آخرین جنگ نادرشاه در زرقان

... اشرف پس از شکست مورچه خورت مانند گراز تیرخورده خود را به اصفهان رسانیده نخست شاه سلطان حسین بیچاره را در کاخ خود بکشت آنگاه بیش از سه هزار تن از مردم شهر را از دم تیغ گذرانیده بازماندگان صفوی را از زن و مرد با نقدینه و جواهر خزینه پادشاهی برداشته به سوی شیراز گریخت. نادر پس از ۴۰ روز توقف در شهر و بهبودی حال سپاهیان که بی اندازه خسته و کوفته بودند روز سوم جمادی الثانی سال ۱۱۴۲ در سرمای سخت زمستان برای یکسره کردن کار اشرف از راه ابرقو و مشهد مادر سلیمان به سوی دشت زرقان که اردوگاه ده هزار نفری اشرف افغان بود رهسپار گردید. بعد از ظهر روز دهم جمادی الثانی (شنبه دهم دیماه ۱۱۰۸ خورشیدی) پس از هفت روز راهپیمائی به دشت زرقان رسیده پیش از آنکه بتواند آرایش جنگی به خود گیرد افغانها حمله نمودند. پیاده نظام دشمن ستون بزرگ نیروی نادر را در هم شکافته به مرکز سپاه رسید و جنگی سخت در گرفت. نادر از گستاخی افغانها سخت خشمگین شد فرمان داد توپخانه ستون مهاجم را به شدت هرچه تمام‌تر تیرباران نماید و در همین گیرودار سواره نظام نیز از راه دامنۀ کوه زرقان به میدان جنگ تاخته با سپاه دشمن در آویختند. ناگهان سواران نادر با یک حمله بیباکانه خود دشمن را پس نشانده به پهلوی راست ستون پیاده افغان حمله نمودند. سیدال که در این جنگ نیز فرماندهی سواره نظام افغانها را به عهده داشت چند بار حمله‌های پی‌درپی نمود اشرف نیز کوشش می‌کرد ستون مرکزی را شکافته خود را به پشت نیروی ایران برساند ولی سواران ایران پس از آنکه ستون پیاده اشرف را پس نشانند شکافی در میان ستون افغانها باز کرده پشت سر نیروی افغان را گرفتند و هنگ‌های پیاده نیز به پیروی از پیشرفتهای سواره نظام هجوم همگانی برده به جنگ پرداختند. هوا رفته رفته تاریک می‌شد. نزدیک شامگاه شکست در میان نیروی افغان افتاد گروهی از سپاهیانشان بدون اینکه از فرماندهانشان اطاعت کنند پا به گریز گذاشتند. هنگ‌های پیاده نیز با بر جای گذاشتن کشته‌های انبوهی با جنگ و گریز پس کشیدند و ایرانیان آنها را دنبال نموده دست بردار نبودند. اشرف پس از اینکه کاملاً ناامید شد با سواران گارد خود به شیراز گریخت و سواران نادر او را تا ۱۲ کیلومتری شهر دنبال نمودند. در این جنگ بیش از پنجهزار تن از افغانان کشته یا زخمی یا اسیر گردیدند. روز دیگر سیدال به نمایندگی اشرف به اردوگاه ایران آمد از سپهسالار ایران زینهار خواست ولی چون

پیشنهادهای نادر سنگین بود افغانستان روز دوازدهم از شهر شیراز بیرون رفته بسوی شرق گریختند. سواره نظام ایران دشمن را تا پل فسا دنبال نمود ولی چون بی اندازه خسته بودند از جنگ خودداری و به همین اندازه که تا رسیدن نادر از گریختن دشمن جلوگیری به عمل آید اکتفا نمودند. نادر به زودی در رسید و به سواران گارد فرمان حمله داد. در سپاه افغانها اشرف در پهلوی راست و سیدال در پهلوی چپ ایستادند. اشرف با ارسال پیکری از نادر تقاضای صلح نمود ولی نادر خواهش او را به سختی رد نمود و گفت خود اشرف باید به نزد من آمده تسلیم شود. چون اشرف از تسلیم خودداری نمود مجدداً فرمان حمله داده شد. باران سختی می بارید سواران گارد نادر هورا کشان حمله نمودند، باقیمانده سپاه افغانها که به حدود چند هزار نفر می رسید بیش از پنج دقیقه هم نتوانستند ایستادگی نمایند. شکست در افغانها افتاد همگی به سوی پل پس نشستند. اشرف پیش از همه به گذار زده از رودخانه گذشت ولی سپاهیان با زن و بچه و پیران که همراه اردو کوچ می نمودند به زیر دست و پای اسبان سواره نظام گارد افتاده و بعضاً کشته و اسیر می شدند... امواج آب تعداد زیادی از زن و مرد و بار و بنه را در خود فرو برده و به بدبختی شان خاتمه داد. از این چند هزار تن فقط اشرف و سیدال که باعث ریخته شدن خون آن بیوایان شده بودند با ۲۰۰ سوار که از قبل گریخته بودند توانستند جان سالم به در ببرند و یگانه امیدواری آنها هم به سرعت تاخت اسبانشان بود... نهایتاً یکی از افغانهای قندهاری به نام ابراهیم، اشرف را در بیابانهای نزدیک زردکوه در بلوچستان شرقی با دو تن از همراهانش به چنگ آورده کشت و سرش را با دستاری که دانه الماس بزرگی داشت به اصفهان برد و تقدیم نادر نمود. بدین ترتیب ریشه افغانها پس از هفت سال بر انداخته شد و میهن گرامی ما به همت نادر از آن روزگار تیره رهائی یافت... سپس شاه طهماسب یکی از خواهران خود را به نام رضیه خانم صفوی به عقد نادر در آورد و خواهر دیگرش فاطمه سلطان بیگم را به پسر بزرگ نادر، رضاقلی، که از افسران ارتش بود داد.



### آثار باستانی ثبت شده زرقان

بر اساس اسناد و آمارهای سازمان میراث فرهنگی کشور، تاکنون ۵۶ اثر تاریخی زرقان به ثبت رسیده که هشت اثر مربوط به شهر زرقان و تعداد ۴۸ اثر دیگر نیز مربوط به بخش زرقان است که اسامی آنها در دفتر ثبت آثار فرهنگی استان موجود است. این آثار شامل بعضی از قبرستانها، حمامها، غارها، تپهها، ساختمانها و قناتها می شود. مهم ترین اثر تاریخی بخش زرقان که با شماره ۹۰۲ در سال ۱۳۴۹ به ثبت رسیده و جاذبه و شهرت جهانی دارد بند تاریخی «بندامیر» است که در قرن چهارم یعنی حدود ۱۱۰۰ سال پیش به دستور امیر عضدالدوله دیلمی احداث شده است. روستای زیبا و تاریخی بندامیر : در ۱۷ کیلومتری زرقان قرار دارد و جاده آن آسفالت شده است از کنار کوه شاهزاده قاسم و پل روگذر ورودی زرقان شروع می شود. اسامی تعدادی از این آثار به شرح زیر است:

ردیف	نام اثر	شماره ثبت	قدمت اثر
۱	قنات حوض ماهی	۲۰۸۱۱	دوران متأخر اسلامی
۲	مقبره سید نسیمی	۲۰۹۱۲	
۳	زورخانه زرقان	۲۰۹۰۸	قاجاریه
۴	قبرستان زرقان	۱۶۱۴۰	
۵	کاروانسرای زکی خانی	۱۶۰۴۰	زندیه
۶	خانه واقفیها	۲۰۹۰۶	قاجاریه
۷	حمام محل میان	۲۰۹۰۷	قاجاریه
۸	منطقه قبرستان شاهزاده قاسم	۲۰۷۵۸	اشکانی - ساسانی



### زرقان : شهری باستانی از جنس کلمات

بدون مقدمه، اگر سفری به هزار سال پیش داشته باشیم، چندان تفاوتی بین زبان آنها و زبان خودمان نمی‌بینیم. در این صورت می‌توانیم کنار دست فردوسی و رودکی بنشینیم و شعرهایشان را در حال سروده شدن گوش بگیریم، البته اگر آنها به زمان ما سفری کنند، حتماً دچار حیرت و سرگستگی می‌شوند و معنای بسیاری از کلمات ما را نخواهند فهمید. حال اگر سفرمان را کمی طولانی‌تر کنیم و به دو هزار سال (دوران زبان پهلوی) و سه هزار سال پیش (دوران زبان فارسی باستان) سری بزنیم وضع کمی تغییر خواهد کرد، البته فقط کمی.

زبان پیشینیان ما، در طول تاریخ فارسی بوده فقط رسم‌الخط ما تغییرات اساسی داشته است. یعنی اگر در کنار نیاکان خود در عهد باستان هم قرار بگیریم باز می‌توانیم تا حدودی حرف هم را بفهمیم و با هم مراد و ارتباط داشته باشیم. البته بشرطی که ما کلمات و لغات و عبارات وارداتی را وارد حوزه زبان خود نکنیم چون آنها از دانش زبانی و رسم‌الخط جدید ما کاملاً بی‌اطلاع هستند. لذا پایه صحبت ما باید بر کلمات و اصطلاحات فارسی باستان و فارسی پهلوی استوار باشد.

بسیاری از کلمات که ما امروزه در زبان محاوره‌ای خود بکار می‌بریم ریشه‌ای باستانی دارند و نیاکان ما دقیقاً با همین کلمات با هم صحبت می‌کرده‌اند و همین معانی را در ذهن داشته‌اند. وقتی که از زبان فارسی باستان و پهلوی صحبت می‌شود شاید عده‌ای فکر کنند که زبان ایرانیان باستان هم مثل خطشان میخی بوده و با زبان میخی! با هم حرف می‌زده‌اند در حالیکه فقط خط آنها میخی بوده و زبانشان کمابیش مثل زبان ما بوده است. درباره خط میخی در جای دیگر کمی توضیح داده‌ایم ولی درباره مشابهت‌های زبانی و گفتاری در این قسمت نمونه‌هایی ذکر می‌شود تا مشخص گردد که چقدر ریشه در گذشته داریم و تا چه اندازه نسبت به این میراث گرانبهای فرهنگی بی‌تفاوتیم. اگرچه برای نوشتن تلفظ کلمات در هر زبان و بویژه در زبان فارسی باستان نیاز به الفبای فونتیک می‌باشد ولی برای رعایت اختصار از آن صرف‌نظر شده‌است.

در این قسمت سه گروه کلمه وجود دارد که با توضیحاتی که در ابتدای هر گروه آمده مشخص شده‌اند ضمناً در کلماتی که با حروف (ذ-ث-ح-ص-ض-ط-ظ-ع-غ) شروع می‌شوند به ندرت کلمه پهلوی وجود دارد:

گروه اول: نمونه‌ای از کلمات که تلفظ و معنی آنها در زبان فارسی پهلوی و باستان و زبان فارسی امروز هیچ تفاوتی با هم ندارند به شرح زیر: آتش- آرنج- آرز (طمع)- آزار- پیش (جلو)- کژدم- پارس (ایران و استان فارس)- (پس عقب)- تاختن- آموختن- مُشتن- دُمب (دم)- کفشک- کُنار (سدر)- سهم (ترس)- آهن- زمان- روشن- خوشی- خشم- تاک (تنها)- پازن (بزکوهی)- بور (رنگ زرد)- پسین- نه (حرفی نفی) - جان- راست- راز- راه- رام- ران- دوست- دوختن- خیار- خون- دین- دیگ- دیس- دیوار- دیو- دیوان (مراجع اداری و دولتی)- دندان- خاک- خر- دهان- خوک- گوشوار- گوش- گوشت- سخت- سرو- گنگ- سگ- سنگ- ساختن- سال- سالار- سپاس- گج- نان- ارجمند- فرهنگ

این کلمات و بسیاری از کلمات دیگر در طول تاریخ تقریباً به همین صورت تلفظ می‌شده‌اند و می‌شوند.

البته در این گروه بعضی از کلمات از لحاظ تلفظ تفاوت دارند مثل خشم که باستانی آن خشم است و روشن که با «اوی» کوتاه و آهن که با های مکسور تلفظ می‌شود. ضمناً اکثر اعداد و ماههای سال با همین تلفظ تقریبی بیان می‌شده‌اند.

گروه دوم: نمونه‌ای از کلمات که تلفظ و معنی آنها در زبان فارسی پهلوی و باستان با زبان فارسی امروز کمی تفاوت دارد.

در این گروه کلمات اول، مربوط به زبان امروز و کلمات دوم مربوط به زبان پارسی پهلوی هستند به شرح زیر:

خانه = خن، پَره = پَرک، تیغ = تیک، تُمبک = تومبک، ترش = تروش، آزاد = آزات، آزاده = آزاتک، پا = پای، آزمودن = آزموتن، آزرمی (شرم و حیا) = آزرمیک، بیابان = ویاپان، بهمن = وهومن، فارسی = پارسیک، پیشانی = پستانیک، بهشت = وهیشت، آرواره = آروارک، آبستن = آپوستان، آبان = آپان، آب = آپ، تابستان = تاپستان، آرد = آرت، مورد (گیاهی سبز) = مورت، مُرده = مُرتک، نهیب = نیهپ، ایزد = یزات، لیسیدن = لیستن، سوگند = سوکند، سفید = سپیت، شطرنج = چترنگ،



فردا = فرتاک، فرشته = فریشتاک، فریاد = فریات، جاویدان = جاویتان، غرابه = کراوه، نفت = نیت، دیگر = دینکر، دیدن = دیتن، دیدار = دیتار، دویدن = دویتن، دولچه = دولک، دود = دوت، دوشیدن = دوشیتن، خرده = خرتک، خانه = خانک، خاکستر = خاکبستر، خرما = خرماک، خردمند = خرتمند، دشنه = دشنک، دادگر = داتگر، خندیدن = خندیتن، خشت = خیشت، خوابیدن = خوابیتن، خوب = خوب، دما = دماک، دمیدن = دمیتن، دنبه = دومبک، دوزخ = دوسوخو، خسرو = هُسرُو، خنیاگر = هونیاگر، گوشه = گوشک، گوگرد = گوگرت، گوسفند = گوسپند، گنجشک = ونجشک، گنجینه = گنجینک، گناه = گناک، سایه = سایک، ستاره = ستارک، سخن = سخون، سرد = سرت، سرما = سرماک، سرودن = سروتن، جادو = یاتوک، چکامه = چکامک، کافور = کاپور، گود = گوت، نیزه = نیزک.

گروه سوم: نمونه کلمات باستانی که با زبان فارسی زرقانی شباهت‌های بسیاری دارند: در این گروه کلمات اول به فارسی امروز، کلمات دوم به فارسی باستان و کلمات سوم به فارسی زرقانی هستند:

آسیاب = آسیاو = آسیو، گذاشتن = هیشتن = هشتن، موش = مُشک = مُشک، مژه = مَزک = مَزنگ، مات = موتک = ماتک (به معنی مبهوت)، کولوک (ظرف سفالی) = کلوک = کولیک، شکم = کُمیک = کُم، رعد و برق = کُراناک = غرتراق، سوراخ = سولاک = سولاخ، زنج (چانه) = زَنک = زناق، خارپشت = زوزاک = زُزه، دلیر = دلیبر = دلیبر، تُشک = دُشک = دُشک، گوشه = سوک = سوک، آخگر (آتش) = خُگ = خُگ، ساروج = چاروک = چارو، تلخ = تَهَل = تَهَل (با های غیر ملفوظ)، شغال = تورک = توره، تُخمه = تُخمک = تُخمک، تُخس = توخسک = تُخس، تابستانه = هامنیک = خمینه، زرقان = زرگون = زرغون (به رنگ طلا)، پرهیز = پهریز، رطوبت یا ترشح = پَشِنچک = پَشِنگه، سیب = سیپ، پشه = پخشک = پخشه، چرک = ریم = رمه (أو رمه)، هسته = اَسک = اَسب، اسب = اسپ = اسپ، آموخته = آمختک = سُم = سُمب، شتاب = اُستاب = اُستو، شکافتن = اشکافتن = اشکافتن، شکستن = اشکستن، شکفتن = اشکفتن، شناختن = اشناختن = اشناختن، شمردن = اشمورتن = اشمردن، شفتن = اشفتن = اشفتن، گاویند (واحدی در شخم‌زنی سنتی) = گبند = گوبند، چمبر = چمبر، سرخ = سُر = سُر (دانه‌های سرخ در بدن بر اثر بیماری) هدف از برشمردن این تعداد فقط ارائه نمونه‌ای از این کلمات مشترک است و مقایسه دقیق آواشناسی مد نظر نبوده است.

در ضمن، نمونه‌های بسیار زیاد دیگری در لغتنامه‌ها موجود است که نیاز به تحقیق بیشتری دارد.

نکته آخر اینکه: کتاب کلمات و لغات فارسی پهلوی و باستان، در آن زمانها، نوشته نشده‌اند و همانطور که در جای دیگری هم گفته‌ایم رمزگشایی خط میخی ایران باستان، سابقه‌ای تقریباً دویست ساله دارد و این کتب لغت در سده‌های اخیر نوشته شده‌اند و لذا خالی از اشکال نمی‌باشند، ضمن اینکه نمونه محکمتری و متفن‌تری نیز فعلاً وجود ندارد. ضمناً در انتخاب کلمات پهلوی، از کتاب با ارزش «فرهنگ زرقان» نوشته همشهری گرانقدر استاد محمد جعفر ملک‌زاده نیز کمک گرفته‌ایم و بعضی از این لغات و توضیحات مربوط به آن کتاب است.

اگرچه کلمات گروه سوم مخصوص زرقانی‌هاست ولی از کلمات گروه‌های اول و دوم نیز استفاده می‌کنند. ضمناً بعضی از کلمات گروه سوم در بعضی از مناطق باستانی دیگر هم رواج دارد. البته اگر با دقت و وقت بیشتری در فرهنگ مردم زرقان و زبان ایران باستان و بخصوص زبان پهلوی کنکاش شود به نمونه‌ها و نتایج بیشتر و بهتری نیز می‌رسیم. با این حساب اگر ما (زرقانی‌ها) به دوران ایران باستان سفر کنیم زبان اجداد خود را بهتر از دیگران درک می‌کنیم چون کلماتی در زبان ما وجود دارد که هنوز عطر و حال و هوای آن روزگاران را دارند.

معمولاً باستان‌شناسان برای اثبات باستانی بودن یک منطقه یک تکه سفال پیدا می‌کنند و با آزمایشها و روشهای دقیق و مخصوص به خودشان، عمر آن سفال را معین می‌کنند ولی در زبان‌شناسی باستانی کلمات زنده نقش سفالینه‌ها را بازی می‌کنند. در این رشته یک کلمه را پیدا می‌کنند و با روشهایی خاص قدمت آن را تخمین می‌زنند و اگر بیش از یک کلمه

بیابند مثل این است که یک گنج بزرگ یافته‌اند زبان ما برای زبان‌شناسان باستانی حکم همان گنجی دارد که صدها گوهر نایاب و کمیاب باستانی در آن است.

کار دیگری که باستان‌شناسان می‌کنند این است که با پیدا کردن مثلاً یک تکه سفال، همان منطقه را حفاری می‌کنند و گاهی یک شهر باستانی «مثل شهر سوخته» سر از خاک بیرون می‌آورد و توجه تمام باستان‌شناسان دنیا را به خود جلب می‌کند. علاقه زبان‌شناسان به زبان شهرهائی مثل شهر ما نیز به همین دلیل است چون با پیدا کردن یک کلمه باستانی و تعیین قدمت آن، حفاری فرهنگی شروع می‌شود و شهری باستانی از جنس کلمات، سر از خاک تاریخ بیرون می‌آورد و هویت فرهنگ باستانی آن شهر معین می‌شود.

اگرچه شهری مثل زرقان که وصل به پایتخت هخامنشیان (و بقولی پایتخت عیلامیان) بوده و نیاز به هیچ سندی برای اثبات باستانی بودن خود ندارد ولی این همه کلمات باستانی که مخصوصاً در گروه سوم قرار گرفته‌اند مهم‌ترین اسناد قدمت این شهر کهن محسوب می‌شوند.



### زرقان زیبا تجلیگاه باورهای زیبای زرقانی‌هاست

زرقان قرن‌ها دارای مدنیت و فرهنگ شهروندی و شهر نشینی بوده لذا اگر زرقان امروز از نظر تمام صاحب‌نظران و گردشگران یکی از زیباترین شهرهای کشور اسلامی ایران است دلیل این زیبایی را باید در روح زیبا و فرهنگ متعالی شهروندان زرقانی جستجو کنیم چون هر شهر زیبا و سالم و جذاب ریشه در روایات مردم آن دارد. به عبارت دیگر، زرقان زیبا تجلیگاه باورهای زیبای زرقانی‌هاست. به دلایل زیر: ۱- زرقان از لحاظ قضائی و امنیتی، شهری کم جرم به حساب می‌آید و پرونده‌های جرائم سنگین در هر سال به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد و اگر هم باشد بیشتر مربوط به جرائمی است که در حوزه زرقان اتفاق افتاده است، نه اینکه مردم بخش زرقان انجام داده باشند. ۲- دومین صفت برجسته و پسندیده‌ی زرقانی‌ها مشارکت در امور خیر و ایجاد باقیات صالحات است. سرمایه‌گذاری زرقانی‌ها در ساختن مدارس، مساجد، حسینیه‌ها و تکایا، مراکز فرهنگی - ورزشی، اهدای زمین، تأسیس قرض‌الحسنه‌ها و مؤسسات خیریه در سالهای گذشته بالغ بر چند میلیارد تومان می‌شود. اکثر مساجد زرقان دارای موقوفاتی از قبیل زمین و باغ و مغازه و منزل هستند که توسط مردم در خدمت کارهای خیر و عام‌المنفعه قرار گرفته‌اند. ۳- اگرچه امروز علاقه به علم و تحصیل در تمام شهرها و روستاهای ایران بصورت یک نیاز و حرکت عمومی درآمده ولی زرقان از گذشته‌های دور جزو شهرهایی بوده که حوزه علمیه و مکتبخانه‌های شخصی داشته و بیش از پنجاه روحانی بزرگوار در این شهر به علم و تحصیل و تزکیه اشتغال داشته‌اند و مردم هنوز یاد و خاطره‌ی مجاهدت‌های آنها و روحانیون بزرگی چون صدرالمتکلمین، آخوند حکیم، شیخ محمد کاظم مدرس، آخوند ملاعلی اکبر، ناصرالشریعه، ملاعبدالجواد معدلی، عبدالرحیم صدرزاده، شیخ ابوالقاسم معدلی و آیت‌الله شیخ محمود شریعت (مشهور به مجتهد زرقانی) و دیگر بزرگان را گرامی می‌دارند. علاوه بر گذشته‌ی پر افتخار حوزوی، زرقان اینک چندین هزار نفر نیروی متخصص و تحصیلکرده در مقاطع و رشته‌های مختلف دانشگاهی و حوزوی در سراسر کشور و جهان دارد و از این بابت شهری فرهنگی و علم دوست به حساب می‌آید و همین عامل نقش بسزائی در لطیف شدن روح عمومی شهر و شهروندان داشته و یکی از زیبایی‌های منحصر بفرد زرقان و زرقانی‌ها بشمار می‌آید. ۴- روحیه حق طلبی و ایثارگری زرقانی‌ها نیز در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به اوج کمال رسید و بخش زرقان با اعزام بیش از چند هزار رزمنده و تقدیم دویست و پنج شهید بزرگوار و گرانقدر نقش حیاتی خود را در این دوران بحرانی و سرنوشت ساز رقم زد. این روحیه از قدیم در مردم زرقان بوده و اینک نیز صفت ایثارگری را بعنوان ذخیره‌ای الهی در وجود خود دارند و در هر برهه‌ای آماده دفاع از ارزش‌ها و ایثارگری در راه حفظ و حراست از ارزشهای الهی و انسانی هستند...

**یک نامه و سند تاریخی**

تا قبل از دیدن نامه تاریخی زیر که متعلق به حدود نیم قرن پیش است و وسعت زرقان را نشان می‌دهد هرگاه در دائرةالمعارف مرحوم دهخدا به موضوع وسعت زرقان می‌رسیدم دچار شک می‌شدم که آیا واقعاً زرقان چنان جمعیت و وسعتی داشته یا همکاران مرحوم دهخدا، بر اساس عرف لغت نامه نویسان حرفی به نقل قول از دیگران نوشته‌اند؟

در دائرةالمعارف دهخدا درباره زرقان، چنین آمده است: ← پس از پیدا کردن نامه‌ی تاریخی زیر که لابلای نامه‌های پوسیده شهرداری، هنوز سالم مانده بود به واقعیت مطلب پی بردم. بخشدار زرقان، مرحوم غلامعلی گزربیس، در آن زمان (که خیلی هم از آن نگذشته) درباره تأسیس شهرداری در شهرها و روستاهائی که زیر نظر زرقان بوده‌اند یعنی مروودشت، ارسنجان، سیدان، سیوند، سعادت‌آباد کمین، سلطان آباد کربال، خرامه و چند روستای حوزه شیراز به شرح زیر اظهار نظر کرده است:

آرم

وزارت کشور

استانداری هفتم

تاریخ: ۲۱ / ۵ / ۳۵ - شماره: ۱۲۲۷

جناب آقای فرماندار محترم شهرستان شیراز

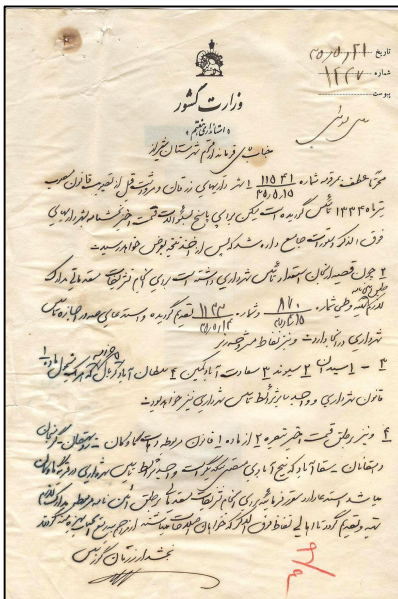
محترماً عطف بمرقومه شماره ۱۱۵۴۱ - ۳۵ / ۵ / ۱۵

۱ - شهرداریهای زرقان و مروودشت قبل از تصویب قانون مصوب تیرماه ۱۳۳۴ تأسیس گردیده است لیکن برای پاسخ بسؤالات قسمت اخیر بخشنامه بشهرداریهای فوق‌الذکر دستورات جامع داده شد که پس از اخذ نتیجه به عرض خواهد رسید.

۲ - چون قصبه ارسنجان استعداد تأسیس شهرداری داشته است برای انجام تشریفات مقدماتی مدارک لازم طبق آئین نامه تهیه و طی شماره ۸۷۰ - ۳۵ / ۴ / ۱۵ و شماره ۱۱۳ - ۳۵ / ۵ / ۱۴ تقدیم گردیده و

استدعای صدور اجازه تأسیس شهرداری در آنجا و نیز نقاط مشروحه زیر:

**زرقان . [زَ] ( ر ا خ )** یکی از بخش‌های چهارگانه شهرستان شیراز است که در شمال خاوری این شهرستان قرار دارد . شمال آن به شهرستان آباد و جنوب آن ببخش سروستان و باختر آن به بخش اردکان و خاور آن به بخش نی‌ریز و شهرستان فسا محدود است . این بخش از هشت دهستان بنامهای : حومه - مروودشت - کربال - خضرك - کمین مشهد - مرغاب - سرپنیران و توابع ارسنجان تشکیل یافته و مرکز آن زرقان و مجموع قراء آن ۲۳۳ است و جمعاً ۷۹۰۰۰ تن سکنه دارد و شوسه شیراز به اصفهان از وسط آن می‌گذرد.



۳ - ۱- سیدان ۲- سیوند ۳- سعادت آباد کمین ۴- سلطان آباد کربال ۵- خرامه که هریک مشمول ماده ۱ قانون شهرداری و واجد سایر شرایط تأسیس شهرداری نیز خواهد بود.

۴ - و نیز بر طبق قسمت اخیر تبصره ۲ از ماده ۱ قانون مربوطه دهات گاوکان - روبهقان - گرمجان - دهقانان - سقاآباد که پنج آبادی متصل بیکدیگر است واجد شرایط تأسیس شهرداری در قریه گاوکان میباشد استدعا دارد مقرر فرمائید برای انجام تشریفات مقدماتی بر طبق آئین نامه مربوطه مدارک لازم تهیه و تقدیم گردد تا اهالی نقاط فوق‌الذکر که خواهان اصلاحات میباشدند از مراسم بیدریغ آنجناب بهره‌مند گردند .  
بخشدار زرقان - گزربیس

**معدن ایمان**

شهر من جلوه‌ی جنان دارد  
چونکه عطر فرشتگان دارد  
خیمه‌های شهادت و ایثار  
بر سر شهر، سایبان دارد  
با شهیدان آسمانی خود  
این وطن سر بر آسمان دارد  
غیرت و عفت و جوانمردی  
در دل شهر ما مکان دارد  
گرچه باشد کهن ولی در عشق  
شهر زرقان دلی جوان دارد  
تخت جمشید و بیستون، هریک  
نامی از وادی «رکان» دارد  
شهر زیبا و با نشاط «رکان»  
ریشه در عهد باستان دارد  
کان زر هست معنی زرقان  
چونکه صد گنج جاودان دارد  
مردمی با نجابت و محبوب  
با دلی پاک و مهربان دارد  
لهجهی ساده و صمیمی آن  
حال یک چشمه‌ی روان دارد  
شهر زرقان به لطف حضرت حق  
نعمت و ناز بیکران دارد  
ملتی سختکوش و دوراندیش  
فاضل و اقتصاددان دارد  
مردمی با حساب و بی اسراف  
طبق حکم پیمبران دارد  
شهر، با همت نکوکاران  
چهره‌ای شاد و بی خزان دارد  
در بناسازی و نشانه‌ی خیر  
بس جوانمرد بی نشان دارد  
شهر زرقان اگرچه یک شهر است  
بهر من حکم یک جهان دارد  
عشق من بر جهان و بر ایران  
ریشه در خاک این مکان دارد  
درس حُب‌الوطن من‌الایمان  
ارزشی همطراز جان دارد  
عاشق خلق پاک زرقانم  
که دلی صاف و قدردان دارد

**گنج اهورائی**

می‌برد از خاک تا افلاک  
مرغ دل را جلوه‌ای سیال  
جلوه‌گاه رویش و پرواز  
بالهای رود کُر ، کُربال  
\*\*\*  
مثل یک رؤیای حاصلخیز  
در حریم خواب و بیداری  
این تجلیگاه آب و خاک  
بوده در ذهن قرون جاری  
\*\*\*  
مثل باری ، خطه‌ی کربال  
خفته در آغوش رود کُر  
سر نهاده با دلارائی  
دشت آن بر دوش رود کُر  
\*\*\*  
این کهن اقلیم جاویدان  
بوده چون گنجی خدادادی  
وعده‌گاه سبز آب و خاک  
جلوه‌گاه آب و آبادی  
\*\*\*  
رود کورش بوده رود کر  
در شکوه دولت کورش  
بالهای رود کر بوده است  
بالهای قدرت کورش  
\*\*\*  
بوده مانند گهر ، کربال  
چون نگین خطه‌ی زرقان  
بوده زرقان نیز با حشمت  
چون نگین پارس در دوران  
\*\*\*  
نالها دارد به لب کربال  
این زمان از مرگ رود کر  
رنج و محرومیت و تبعیض  
گشته از محنت ، سرود کر  
\*\*\*  
کاش تدبیر و امید و عشق  
با کلید سبز دانائی  
می‌گشود از نو، چنان کورش  
قفل این گنج اهورائی

**تنگ چشمه (۱)**

دلم کرده هوای تنگ چشمه  
که باشد روز و شب دلتنگ چشمه  
ندیدم نغمه‌ای در عالم خاک  
نشاط‌آورتر از آهنگ چشمه  
چه می‌شد چون پری‌ها سر گزارم  
شیی بر بالش گل‌سنگ چشمه  
زلال و پاک و شیرین و گواراست  
بیا ایدل بشو هم‌رنگ چشمه  
بگیر از چشمه درس پایداری  
ببین با سنگ خارا ، جنگ چشمه  
بیا مثل دل اهل ولایت  
بسپچی شو تو هم در هنگ چشمه  
اگر خواهی رسی بر کوثر عشق  
بیا حل شو تو در فرهنگ چشمه  
زند بر قلب صحرا ، آتش سبز  
رسد بر آن چو یک پرشنگ چشمه (۲)  
برای رویش سبزینه‌ی عشق  
تمام دشت مانده لنگ چشمه (۳)  
رساند آب وحدت بر بیابان  
اگر یک دره افتد کنگ چشمه (۴)  
چه رؤیائی است نقش ارژن صبر  
درون دفتر ارژنگ چشمه  
نشو هرگز تو دلتنگ از دورنگی  
بزن بر هستی خود ، رنگ چشمه  
شکست آئینه‌ی قلم ، ز بس که  
زدم بر سینه‌ی خود سنگ چشمه  
سرشکم مثل اشک چشمه جاری‌ست  
دل تنگم شده چون تنگ چشمه

پی‌نوشت:

۱- تنگ چشمه (tang-e-cheshmeh) نام مکانی است در زرقان ، که چشمه‌ای به نام «چشمه و بز» (cheshme-wo-bez) در آن جاری است.  
۲- پرشنگ (bershang) در گویش زرقانی یعنی شعله و چرقه‌ی کوچک.  
۳ - لنگ (lang) = معطل ، لنگ کسی شدن یا ماندن یعنی معطل ماندن.  
۴ - کنگ (kang) = کتف ، کنگ کسی افتادن یعنی همراه و همکار و همسفر شدن با کسی.

### آریایل و آریائیل ۱

پسینی، بیله‌ای از آریایل  
 فرود آمد کنار حوض ماهی ۲  
 که آساید شیبی در دامن آن  
 و گردد صبح روز بعد ، راهی  
 سحرگه مشک‌ها را پر نمودند  
 که تا کوچند از این زرگونه منزل  
 ولی دیدند دل کندن از آن آب  
 که دارد طعم کوثر ، هست مشکل  
 ندا آمد ز میر آریایل  
 که بوده نام سبزش آریائیل  
 : همین جا خیمه‌ها برپا نمائید  
 که کوچ ما از این پس گشته تعطیل  
 به آئین اهورائی در این آب  
 وضو کردند و تعظیم و نیایش  
 یکایک دیگ‌ها در جوش آمد ۳  
 برای شکر و اکرام و ستایش  
 نه تنها آب آن بوده گوارا  
 مداوا کرده امراض خلائق  
 کسی که ماهیانش خورده باری ۴  
 شده بر دردهای خویش فائق  
 از این آب لطیف و پر طراوت  
 که بوده در رگ این دشت چون خون  
 به دنیا آمد این شهر طلاخیز  
 و در تاریخ ، نامش گشت زرگون ۵  
 طلایی بودن زرقان به زر نیست  
 طلای شهر ما عشق و تلاش است  
 نباشد ثروتی بالاتر از دین  
 که اینجا محور کار و معاش است  
 اگرچه بارها گردیده ویران  
 دیار سبز ما در بستر خویش  
 ولیکن سر بر آورده چو قفتوس  
 همیشه از دل خاکستر خویش  
 کنون سبز است و خرم زادگاهم  
 ولیکن حوض ماهی گشته بی آب  
 خداوندا دوباره برکتش ده  
 که این روح روان برخیزد از خواب  
 شده اشکم کنون چون چشمه و بز ۶  
 روان از مرگ تلخ حوض ماهی  
 از این غم ، دائماً در اشک و آهیم  
 من و جوجه کبوترهای چاهی

### گلوآزه باستانی

این شهر که زرخیزترین شهر جهان است  
 در هر گذرش گنج زر ناب، روان است  
 آن گنج روان مردم آزاده‌ی شهرند  
 خلقی که کهن تجربه و بخت جوان است  
 این کوه که فریادگر عزم و اراده‌ست  
 تصویرگر هیبت ایثارگران است  
 زیبایی زرقان که شده شهره آفاق  
 عکسی ز صفاگستری مردم آن است  
 کم جرم ترین شهر و نکوکارترین شهر  
 وصفی است که در چهره این شهر عیان است  
 زرقان که بود مهد کشاورزی و صنعت  
 گنجینه اندیشه‌ی تولیدگران است  
 خوابیده در آغوش بمو خطه‌ی زرقان  
 وصفش به مثل، چون صدف و دُرّ گران است  
 زرقان که ز دوران کهن مانده به میراث  
 گلوآزه‌ی نام کهنش شهر رکان است

### پی‌نوشت شعر آریائیل:

۱ - کلمه آریائیل را قبلاً در جایی ندیده و نشنیده‌ام، در اینجا کنایه از صاحب و امیر و رهبر قوم آریاست و این شعر اشاره‌ای مجازی به سکونت آنها در زرقان بخاطر جاذبه حوض ماهی است. ۲ - حوض ماهی قناتی است با آبی مقدس در زادگاهم زرقان فارس ، مربوط به قبل از اسلام و سه نمونه از این حوض در استان فارس بوده ، یکی همین حوض ماهی زرقان، دیگری حوض ماهی شیراز که کنار آرامگاه سعدی است و زرقانی‌ها معتقدند که سرچشمه و منشأ این دو یکی است و سوم حوض ماهی شهر فسا که آن هم خشک شده است. ۳ - سنت باستانی "دیگ جوش گذاشتن کنار آبهای مقدس" از مراسم آئینی در زمانهای گذشته بوده که هنوز در شهرهای باستانی مثل زرقان وجود دارد. ۴ - از آب و ماهیان ریز حوض ماهی برای امراض مختلف روحی و جسمی استفاده می‌شده و این کاربرد تا چندین سال پیش رواج داشته. ۵ - زرگون ، شاید نام اصیل زرقان بوده ، در این باره نظرات مختلفی وجود دارد. ۶ - چشمه و بز یا چشمه‌ی آب - بز Ab-bez چشمه‌ای است کوچک و با صفا درتقریباً بالاترین نقطه‌ی تنگه‌ی شرق زرقان.

**بندامیر**

سر برآورده ز اعماق قرون  
قامت سنگی این سدّ عظیم  
گرچه گردیده فراموش ولی  
مانده جاوید چو یک دُر یتیم

گشته تسخیر به دستان هنر  
رود طغیانگر کُر در کُربال  
معجزی بوده که بی امکانات  
غالب آیند بر این امر محال

گرچه این پیکره‌ی زنده‌ی عشق  
شاهکار هنر و معماری است  
راز یک همت و دور اندیشی  
در هیاهوی سکوتش جاری است

هر که دیده است دمی بند امیر  
شده حیران ز بنا سازی آن  
عقل هر قافله، تحسین کرده است  
فکر و برنامه‌ی آغازی آن

یازده قرن ز عمرش رفته  
لیک چون سازه‌ی نو بنیاد است  
عمر طولانی این شیرین - کار  
حاصل عمر بسی فرهاد است

گرچه اینجا بجز از چرخ زمان  
آسیاب دگری نیست بجا  
لیک ویرانه‌ی آنها باقی است  
که روایتگر عشقتند و صفا

«گاو شیر»ش که صلابت دارد  
معبور راه جنوب است و شمال  
بوده دروازه‌ی امنیت ، نیز  
متحرک پل آن راه وصال

روی دروازه قدمگاه علی است  
که شده ضامن خیر و برکات  
رود با یاد علی می‌گوید:  
بر گل روی محمد صلوات

**جلوه گاه بهشتی**

وطن ایران و زرغون زادگاهم  
اسیر عشق این خورشید و ماهم  
برام زرغون عزیز و نازنینه  
که شهرستانی از ایران زمینه  
پر است از معدن زر شهر زرغون  
ز فرهنگ و تلاش و عشق و ایمون  
طلای ناب زرغون اتحادیه  
ز وحدت شهر ما آباد و شاده  
رکان، نامش ز عهد باستانه  
ز عهد باستان پر داستان  
به لوح تخت جمشید است نامش  
به سنگ بیستون مانده پیامش  
کنار مرقد سید نسیمی  
بُود گلزار این شهر قدیمی  
شهیدانش که تاج افتخارند  
ز دوران حماسه یادگارند  
وطن قریبون کل مردمونت  
فدای کودک و پیر و جوونت  
که عشق پاک تو در سینه دارند  
و با حبّ الوطن جان می سپارند  
از این سرسیزی و زیبائی و ناز  
ز عشق و اتحاد و خلق ممتاز  
خدا بر روی قلب ما نوشته  
که زرغون نام شهری در بهشته  
به حق نذرهای حوض ماهی  
نبینه خلق زرغون ، غم ، الهی  
\*\*\*

کسی که خاک زرغون را سرشته  
به خط زر به روی آن نوشته  
ز گنج نعمت و نازش، بدونین  
که زرغون جلوه‌گاهی از بهشته

**دو فتح تاریخی در زرقان**

در دو تاریخ ، خطه‌ی زرقان  
می‌درخشد به تارک ایران  
دو مهاجم ، دو ارتش خونخوار  
ز عربها و کشور افغان  
دو تجاوزگری که ایران را  
کرده بودند غارت و ویران  
هر دو در شهر ما تلف گشتند  
مثل خاشاک در کف طوفان  
اولی ، احمد ابن عبدالعزیز  
که به بغداد بوده او سلطان  
شهرها را گرفت و آمد پیش  
تا در آمد به خطه‌ی زرقان  
لشکر عمرو لیث صفاری  
بست راهش به دشت و کوهستان  
منهدم کرد لشکر اعراب  
در همین کوه و بیشه و میدان  
جنگ دوم به عهد نادرشاه  
گشت برپا دوباره در زرقان  
نادر آمد مقابل اشرف  
با سپاهی گران ز سربازان  
ناگهان در گرفت جنگی سخت  
بین ایرانیان و افغانان  
شد شکسته به دشت آهوچر  
ارتش نحس اشرف افغان  
لذت این دو فتح تاریخی  
مانده در یاد کشور شیران  
گشت میهن رها ز چنگ عدو  
شاد شد قلب ملت ایران  
این دو پیروزی غرورانگیز  
که کند فخر ، خلق ما بر آن  
کرده شیرین و افتخار آمیز  
نام زرقان فارس در دوران

### زرقان طلائی

زرقان ما، هنوز همان معدن زر است زره‌های شهر ما ز طلا پربه‌تر است دل‌های آفتابی این خلق با صفا از پرتو ولایت و قرآن، منور است گنجینه حجاب که میراث فاطمه است بر عفت و عواطف این خطه، زیور است ای صاحبان حشمت و مال و مقام و جاه در این جهان ز بوسه احمد (ص) چه برتر است؟

دستان پینه‌بسته مردان این دیار از بوسه‌های سبز محمد (ص) معطر است والاترین جواهر ما اتحاد ماست بازوی اتحاد، خدایش، مددگر است گلزار شهر، آینه سرخ کربلاست اینجا پر از شقایق گمنام و پرپر است آهسته پاگذار در اینجا؛ که بر زمین گسترده بال‌های ملائک سراسر است گلبوسه امام، مدال طلای ماست

زرقان همیشه در خط خون رتبه‌آور است جنگاوران و خط‌شکنان بسیجی اش هر یک به روز جنگ به هنگی برابر است گنجینه‌های علمی و فرهنگی‌اش، کنون زینت‌فزای سینه هر شهر و کشور است خاکش، چو نیک در نگری، عین کیمیاست خلقش تمام جوهری و کیمیاگر است تا دور دست دشت، طلا کشته‌ایم ما گندم، طلای خالص این خلق زرگر است گر دست دود و پای لجن کم شود ز شهر در شهر ما، هنوز، هوا روح پرور است ما را ز لطف صنعت بیمار، خیر نیست بر ما اگر که شرّ نرساند نکوتر است از این سیاهکاری و این وعده و وعید قلب و نگاه و چهره زرقان مُکدّر است این کوه سربلند نمائی ز عزم ماست خنجر به استخوان که رسد، صبر کمتر است «دهد» تو پیک صادق فردای روشنی فردای این دیار، طلائی‌تر از زر است

### گنج باستان

شهر سبز و با صفا ، زرقان ما مهد ایثار و وفا ، زرقان ما مردمی با استقامت مثل کوه دارد از لطف خدا ، زرقان ما جلوه‌گاه عزت و فرزاندگی معدن حُجب و حیا ، زرقان ما پایگاه غیرت و مردانگی شهر سرخ لاله‌ها ، زرقان ما ملتی دارد فهیم و کاردان سربلند و بی ریا ، زرقان ما مردمی دارد همه مهمان نواز با دلی زود آشنا ، زرقان ما شهر وحدت، شهر قانون، شهر عشق شهر قرآن و دعا ، زرقان ما مانده باقی از زمان باستان مثل گنج آریا ، زرقان ما

#### منابع:

ابن حوقل، سفرنامه ؛؛ اصطخری، ابواسحق ابراهیم، المسالك و الممالک. ؛؛ ابن بلخی، فارسنامه، تصحیح گای لسترنج و ریتولد آن نیکلسون، ؛؛ حسین فسایی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری ؛؛ مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ؛؛ مستوفی. حمدالله. زهة القلوب. ؛؛ شواتس. پاول. جغرافیایی تاریخی فارس. لسترنج. گای. جغرافیای تاریخی ؛؛ دهخدا. علی اکبر. لغت‌نامه. چکس ابراهام ویلیام. سفرنامه. ؛؛ آل داوود. سیدعلی. دو سفرنامه از جنوب؛؛ آمارنامه‌های سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان فارس؛؛ سفرنامه شاردن فرانسوی؛؛ سفرنامه حاجی پیرزاده؛؛ سفرنامه ابراهام والتین ویلیامز جکسون؛؛ سفرنامه پی‌یر لوتی ؛؛ سفرنامه کارستن نیبور؛؛ روزنامه پارس مورخ دوشنبه ۲۸ آذر ماه ۱۳۴۵؛؛ گل‌نشته‌های باروی تخت‌جمشید دکتر عبدالمجید ارفعی؛؛ کتاب اول بندامیر: احمد رضا زراع؛؛ کتاب فرهنگ مردم زرقان تألیف استاد دکتر محمد جعفر ملکزاده؛؛ جهانگشا و ذره نادری و کتاب نادرشاه نوشته کسروی، طرح توجیهی ارتقای بخش زرقان به شهرستان، محمد مهدی کاویانی؛؛ و سایت Wikipedia.org ، شعرها از: محمد حسین صادقی

Zarghan has offered 3 martyrs during revolution and 205 martyrs during 8 years of Imposed War and Holy Defense.

The old residential part of Zarghan has three sections: Lora or Mahall-e-Heydar, mahall-e-Miyan or Valli-ye-Asr and Jolahgoon or Mahall-e-Imam sajjad, each section has a public bath, a mosque and a Hosseyniyeh (or Madiyeh, or Zeynabiyeh). These are public places for religious purposes. Nowadays only the public bath of mahall-e-Miyan is available and the other bathes are closed because of destruction.

Zarghan is a traditional city and has many distinctive traditions especially in religious aspects. One of the most traditional ceremonies of zarghan is Taaziye performance. Taaziye is a melodious tragic Drama especially concerning Imam Hossein (A.S.) and his family and faithful comrades and their Martyrdom in Karbala at the year of 61 hegira. All of the dialogues and monologues of Taziye are of passion poems and are recited as sorrowful songs with traditional music instruments Saz and Naghareh. (two native music instruments).

Zarghan has three hosseynieh (meaning: the house for Imam Hossein) in which the ceremonies of Taziye are held in month of Mohrrams and also may be used as a place for other religious programs. What make Zarghan distinguished from the similar ceremonies of IRAN is the vast tents of these places. Each tent is about 450 square meters and 150 Kilograms weight, supported by 4 tall piles of 15 meters height. These tents are raised from 27th of Thee Al-Hijja to 15th of Moharram every year.

The Sarv Cultural Center (Farhangsara-ye-Sarv) is a municipally created public space for cultural advancement in Zarghan. This center with over 2000 students in Art and literature has many various programs, especially in poetry, writing, photography, designing, drama, English, computers, music, handicraft arts and astronomy. Zarghan has many poets, writers, artists and designers. Most of zarghan's people are educated and some of them live in other countries.

Some of the sportsmen of Zarghan have national and global sport Medals in fields of wrestling, weight lifting, running and power lifting.

Zarghan with Flourishing economic activities and its valuable potentials has a major role in self-efficiency and always is ready to support national and international investments.

It is important to note that Zarghan is one of the safest cities in IRAN and has the minimum rate of crimes and social misbehavior according to official records.

Although the geographical position is one of the main vital factor of Zarghan's improvement, the religious characteristic and economical manner of Zarghanians is another important feature, because they are beneficent, diligent and law-abiding and public-spirited people and have an extraordinary efforts and resistance in their life and works, for instance, they have established many schools, mosques, sports ground, hospital and other non-profit public utilities and charity institutions. The people of Zarghan principally are not careless and indifferent to their Fate and their common social interests.

And finally, the 20th of Ordibehesht (10th of May) is Zarghan's Day. At this day, a various of social and cultural programs and activities is carried out by Zarghanians and official departments.

More about zarghan in English and Persain can be found at [www.hodhod.blog.com](http://www.hodhod.blog.com)

**With gratitude - Mohammad Hossein Sadeghi - Manager of Hodhod publication**

June 2015 – khordad 1394



They are the most important sources for the study of the administration of the Achaemenid Empire and geographical cities of ancient civilization of Pars (IRAN).

In addition to Dariush war, two great victorious and important wars were happened in Zarghan, one of them about 1200 years ago between Amroleyth Saffari and one of arab governors named Ahmad ibn abdolaziz And the second one between King Nader Afshar and one of Afgan aggresseros named: Ashraf Afgan, about 300 years ago.

There are a few old buildings in Zarghan, but there hadn't remained any older structures due to destructive wars and floods in Zarghan.

You can visit these old heritage places in Zarghan: Band-e-Amair Dam, Zaki Khani Caravanserai, Vaghefi's house, Hammam-e-miyan (the middle public bath), Zoorkhaneh (a place for ancient Iranian sports), Sabats (Passages with vaulted ceiling), Nassimi mausoleum, national restricted wild life zone of Bamu, and Zarghan qanats and houz-e-mahi.

One of the most important villages of Zarghan is Band-e-Amir in the north-east of the Zarghan Mountain, and across the Korr River. Band-e-Amir as a very fortified dam and bridge is an important monument of the early centuries of Islam, related to the Azododoleh-ye-Daylami period. (About 1100 years ago). It is about 17 kilometers from Zarghan to Band-e-Amir; the starting point is the bridge near the Zarghan Mountain and Imamzadeh Ghasem Pilgrimage.

Houz-e-mahi: There are many aqueducts in Zarghan dated back to old civilization of Iran; one of them is called "houz-e-mahi" meaning "the pool of fishes" which is a pre-Islamic pool and a part of Qanats of Zarghan. There are three of these holy springs in Fars province one of which is near the tomb of great Iranian poet, Saadi Shirazi. A qanāt is a water management system used to provide naturally a reliable supply of water without pipe and other tools.

The tomb of Sayyed Emadoddin Nassimi (or nessimi) is in Zarghan. He is one of the most famous mystic poets of Iran and Islam, martyred about 6 centuries ago. It's also said that his grave is in the city of Aleppo (Halab) in Syria. The 600th anniversary of Nesîmî's birthday was celebrated worldwide in 1973 by the decision of UNESCO, and representatives from many countries took part in the celebrations held both in Azerbaijan and in Moscow.

Bamu National Park is one the most important protected zones of Fars Province located near Zarghan. The native animals of this park are wild goat, ram, wolf, fox, Leopard and many kinds of birds and plants.

One of the most famous and delicious gift of Zarghan is its Halva Ardeh. Ardeh is taken from Sesame seeds (konjed in Farsi Language) in the form of paste, usually sweetened with syrup.

Besides agricultural productions and cattle training, Zarghan had been a significant city for medical and surgery services, religious trainings, weaving: textile, rug, carpets centers, gun and gunpowder manufacturing, oil-pressing, soap making, tanning, shoe making, Matting, .... And because of these potentials and plenty of welfares productions and services, Zarghan had been a great local market for neighbor cities and villages and also nomad tribes, so Zarghan was known as Little India.

Zarghan was among the first cities which joined the Islamic revolution movements and had many outstanding activities before the victory of revolution.

## A Glance at Zarghan

Zarghan (or Zargan and Zarqan) is located in Fars Province, in the highway of Shiraz- Persepolis, with a distance of 25 kilometers from both sides and about 900 kilometers to Tehran. As the most of Iranian cities, the language of Zarghan is Farsi (Persian) and the religion is Islam. Zarghan's population is more than thirty thousands (in the city) and about fifty thousands in the district (bakhsh). Zarghan is 1370 meters above sea level and has a moderate climate with regular seasons.

The word "Zarghan" is a combination of two words: zar + ghan. Zar in Farsi language means: Gold and "ghan" is the Arabic form of "Kan" which means: mine; so Zarghan means "the mine of Gold" or the gold mine. And this is the historical name of our ancient city: Zarghan. Although there hasn't been any mine in this city, its name may be referred to its natural properties and geographical aspects and fertilized soil. It is mentionable that there are four cities in Iran with the name of Zarghan one of which is our city. Zarghan has two residential sections: the old part of Zarghan is near the mountain and the new part is in the plain ground near the highway of Shiraz-Persepolis-Isfahan.

Zarghan is an industrial and traditional city and has many distinctive traditions especially in religious aspects. According to official records about 24 percent of Fars industries are located in it, accordingly Zarghan is one of the richest and polluted Iranian cities. Zarghan is also distinctively important for its farming and cattle training in view of the fact that it is one of the main producers of meat and agriculture products in the south parts of Iran.

Another famous and important product of Zarghan is Grape that is traditionally produced in dry farming method (without watering) as a result its grape is very sweet and delicious.

The city of Zarghan has one of the best town planning and architecture. Its urban green space is about 64 hectares,. Zarghan has several beautiful and equipped public great parks so it is one of the most beautiful cities in Iran. The per capita of Zarghan's green space is about 18.6% and it is obviously over the international scales.

Zarghan has two universities, Islamic Azad University with 6000 students and Payam-e-noor with 2000 students.

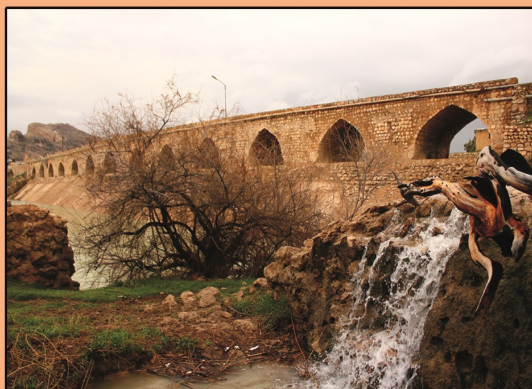
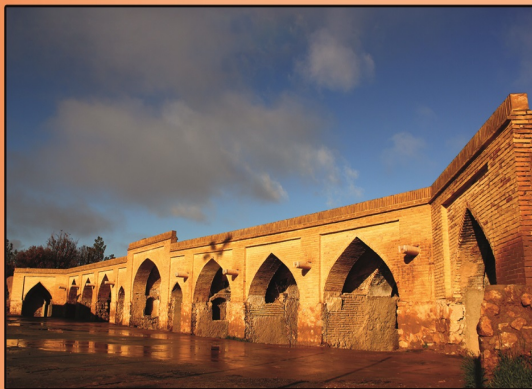
Many books and essays are written about Zarghan's culture, dialect, history, proverbs, tales and folkloric literature, in addition, some of tourists who traveled to Iran and visited our city have written many books and essays about Zarghan in their travels book or records of trip.

Zarghan Airport is also famous for its aviation training and rental aircrafts.

The earliest reference to Zarghan, as RAKKAN is on Bistoon Inscription and some Elamite clay tablets dated to 500 BC.

Bistoon Inscription: The text of this inscription was engraved in the breast of the Bistoon Mountain in Kermanshah province 522 BC by order of King Dariush. These texts relate to his triumphant wars. The Bistoon impression is an epigraph in three languages, the ancient Parsi, Elamite and a Babylonian dialect. According to professor Arfaee researches the ancient name of zarghan "Rakkan" is mentioned in these three languages in Bistoon impression. In addition, the name "Rakkan" is repeated about 50 times in Persepolis fortification tablets which are a large collection of ancient Persian cuneiform administrative texts.





انتشارات هدهد  
HODHOD PUBLICATION

ISBN 964250819-2



9 789642 508198